

## تحلیل و بررسی ابعاد سریة امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام به یمن و پیامدهای آن

مریم سعیدیان جزئی / دکترای تاریخ اسلام، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

### چکیده

تاریخ صدر اسلام منشأ بسیاری از تحولات مهم و سرنوشت‌ساز بوده و نقش آموزه‌های وحیانی و رسالت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام در این میان، اساسی و انکارناپذیر است. در این مقاله، بخشی از تدابیر رسول‌الله صلی الله علیه و آله در قالب سریة امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام به یمن و پیامدهای آن بررسی می‌شود. درباره علت اعزام امام علی علیه السلام به یمن و نتایج تفصیلی آن، اختلاف اقوال و تفاسیر متعددی در منابع اسلامی دیده می‌شود که در این مقاله بررسی شده است. بر این اساس، روشن می‌شود که حضور علی علیه السلام در یمن که در تداوم رسالت الهی رسول‌الله صلی الله علیه و آله قرار داشت، از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل آشنایی اعراب یمنی با اسلام و توسعه حکومت اسلامی بود. در نتیجه، برخی از مشاهیر قبایل یمنی پس از گروش به اسلام، در گرایش‌های سیاسی و مذهبی خود، بیش از دیگران هوادار اهل‌بیت علیهم السلام بوده و متناسب با ساختار جمعیتی عظیم و پراکنده شدن در بلاد مختلف اسلامی، در دگرگونی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و تقویت و نشر معارف اهل‌بیت علیهم السلام و آموزه‌های وحیانی سهم مؤثری ایفا کردند. در مقاله حاضر، این مسئله با استناد به منابع اسلامی در حوزه‌های مختلف تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و منابع رجالی، و با روش توصیفی، تحلیلی، و در پاره‌ای موارد نقد، بررسی و ارزیابی می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، سریه، یمن، شیعیان یمنی، کوفه، اهل‌بیت علیهم السلام، تشیع.

## ۱. مقدمه

روابط رسول‌الله ﷺ با یمن، از دو جنبه قابل بررسی است؛ چراکه نمایندگان قبایل یمنی به صورت فردی و گروهی به مدینه می‌رفتند و خود اسباب آشنایی با اسلام را فراهم می‌آوردند و یا با اعزام نمایندگان به مدینه‌النبی ﷺ از اخبار جدید آگاه می‌شدند؛ چنان‌که بسیاری از آنها در همان جا به دین جدید می‌گرویدند.<sup>۱</sup> (ابن سعد، ج ۵، ص ۵۳۱-۵۳۵ / احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۳ / ابن شهبه، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۱۴۵). این مهم، فرصتی را فراهم آورد تا رسول‌الله ﷺ در راستای نشر اسلام و زدودن آثار شرک و کفر، اقدام کند. در بررسی روابط قبایل یمنی با رسول‌الله ﷺ، روشن می‌شود که بیشترین، مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه ارتباط و آشنایی با اسلام و حکومت اسلامی، از طریق کارگزاران و مبلغان و شیوخ قبایل بوده است. از این رو، رسول‌الله ﷺ مبلغان و سفیران خود را عازم جنوب جزیره‌العرب و یمن نمود. در بین کسانی که از جانب آن حضرت عازم این منطقه شدند، نام برخی از صحابه هم دیده می‌شود که در رأس آنها نام علی رضی الله عنه می‌درخشد.<sup>۲</sup> آثار و پیامدهای حضور علی رضی الله عنه در یمن، چنان مهم و اثرگذار بود که گاه محور تحلیل و توصیف برخی از حوادث تاریخ صدر اسلام شده است. رهاورد حضور آن حضرت در یمن را می‌توان در این موارد خلاصه کرد:

۱. این مسئله مهم که در متون مهم تاریخی در زمره وفد آمده است، (ابن سعد، ج ۱، ص ۳۴۶ و ج ۵، ص ۵۳۲) تغییرات مهمی را در ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یمن ایجاد نمود. رسول‌الله ﷺ در طی این ملاقات‌ها، آثار و مظاهر فرهنگ دینی را بیان و اعلام می‌کرد و مظاهر فرهنگ جاهلی را تفکیک و برای محو آن اقدام لازم را اتخاذ می‌نمود. (احمدی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۶۳-۵۶۵)
۲. از جمله این افراد، معاذ بن جبل بود که رسول‌الله ﷺ او را در سال نهم هجری به یمن فرستاد و مأمور تعلیم قرآن و فرایض به مردم کرد. به دنبال آن، سیل یمنی‌ها عازم مدینه شدند تا اسلام خود را بر رسول‌الله ﷺ عرضه کنند. حوزه فعالیت معاذ، در جنوب صنعا تا عدن بوده است. (رازی، ۱۴۰۱، ص ۲۴۹-۲۵۴) در زمان حضور معاذ در یمن و به دستور رسول‌الله ﷺ مسجدی در این منطقه ساخته شد. (عماره یمنی، ۱۳۹۹، ص ۷۲-۷۴) افزون بر این، رسول‌الله ﷺ افراد دیگری را به یمن اعزام کردند که برخی از آنها عبارت‌اند از: عباس بن مرداس سلمی، (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۱۲) خالد بن سعید بن عاص (همان، ج ۴، ص ۲۴۹) و ابوموسی اشعری. (ابن حبیب، بی‌تا، ص ۱۲۶) در خصوص چگونگی اسلام‌پذیری یمنی‌ها، ر.ک: منتظر القایم، ۱۳۸۰، ص ۶۵-۱۱۳)

گسترش اسلام در یمن؛ اسلام‌پذیری عمومی قبایل عرب و پیوستگانشان؛ توسعه حکومت اسلامی و نفوذ فرهنگ و مبانی اسلامی در یمن. بخشی دیگر از تدابیر رسول‌الله صلی الله علیه و آله، نامه‌های متعددی است که برای کارگزاران و مردم یمن فرستاده و برخی از آنها را علی علیه السلام شخصاً نوشته است.<sup>۱</sup> رسول‌الله صلی الله علیه و آله به‌ویژه از همیاری و مشارکت برخی قبایل یمنی در رسیدگی به امور داخلی (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۵-۶۶) و غلبه بر مشکلات حکومت اسلامی در یمن بهره جست.<sup>۲</sup> (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۶۴/احمدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۶۹-۲۷۰) این گروه در بسیاری از حوادث سرنوشت‌سازی که در صدر اسلام و پس از آن رخ داد، حضوری فعال داشتند. (ابن‌سعد، ج ۱، ص ۵/ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۹)

## ۲- اعزام علی علیه السلام به یمن

ابن هشام، سربیه علی علیه السلام به یمن را ذیل عنوان غزوه «حجة الوداع» آورده است و ابن اسحاق آن را در طی دو سفر و همراه با خالد بن ولید، مأمور اعزامی رسول‌الله صلی الله علیه و آله به

---

۱. نامه به زیاد بن حارث مذحجی، که توسط علی علیه السلام کتابت شد و در آن به اهمیت اقامه نماز، پرداخت زکات، جنگ با مشرکان و موقعیت‌یابی مناطق جغرافیایی این قبیله اشاره شده است. (احمدی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۶۶) در این نامه‌ها مواد مهمی چون فلسفه بعثت، چگونگی اطاعت‌پذیری و ارتباط اعراب با دولت اسلامی، و مبانی اندیشه اسلامی آمده است. برخی بر این عقیده‌اند که این نامه‌ها مبنای اسلام گروهی از اعراب یمنی بوده است. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۵۱/ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰/احمدی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۶۰-۲۶۳)

۲. از جمله اینها فتنه اسود عنسی است که در اواخر حیات رسول‌الله صلی الله علیه و آله در یمن رخ داد. (ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۴۶/طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۴۷ و ۲۲۰-۲۳۹) درباره مواضع اسود نسبت به اسلام آمده است که وی از دین خارج شد؛ شرایع را انکار کرد؛ نماز و زکات و دیگر امور مربوط به دین را ترک نمود و به آنچه در جاهلیت بود، بازگشت. (نووی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۰۲/ابن‌حجر، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲۴۳/ابن‌منظور، ۱۴۰۲، ج ۵، ص ۱۴۶) برخوردهای ددمنشان، عنسی با مردم و همراهانش به‌گونه‌ای تحمل‌ناپذیر بود که به سرعت آنها را از او دور ساخت. (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۷، ص ۱۹۸-۲۰۱) هم‌زمان با ارسال مهاجرین ابی‌امیه از سوی رسول‌الله صلی الله علیه و آله، اسود هم در صنعا خروج کرد (رازی، ۱۴۰۱، ص ۸۰-۸۱) و سرانجام رسول‌الله صلی الله علیه و آله خالد را به‌عنوان جانشین وی و مأمور این کار، بر صنعا گماشت. (بلاذری، ۱۹۸۸م، ص ۱۰۷)

یمن بیان می‌کند. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۴۱-۲۵۷) تفاوت اصلی این دو گزارش در این است که ابن اسحاق این واقعه را در ذکر بعوث و سرایا نیاورده است. افزون بر آنکه در نقد خبر ابن اسحاق و به‌استناد گزارش‌های موجود که زمان اعزام خالد را در وقت دیگری می‌دانند، خالد بن ولید در این سفر همراه امام نبود. (همان، ص ۲۹۰-۲۹۱). به استناد گزارش واقدی که در این زمینه دقیق‌تر و پذیرفتنی‌تر است، رسول‌الله ﷺ در رمضان سال ۱۰ هجری، علی بن ابی‌طالب را با سیصد نفر به یمن فرستاد. این گروه، نخستین سپاهی بود که وارد برخی مناطق یمن (مثل بلاد مَدَجِج) گردید. نخستین اقدام آن حضرت، دعوت مردم به اسلام و دریافت صدقه از آنها بود؛ اما گروهی تصور کردند که آن حضرت برای پیکار با آنان آمده است؛ از این‌رو، در مقابلش صف‌آرایی کردند و سرانجام شکست خوردند. سپس با آن حضرت مصالحه کردند و دعوت آن حضرت را اجابت نمودند. علی‌علیه السلام خمس غنایم را به مدینه فرستاد و مقرر گردانید مردم خمس و صدقات خود را به دولت اسلامی بپردازند. از همین روی، گروهی را در همان بلاد مستقر کرد تا این مأموریت را به‌انجام برسانند. سربۀ مَدَجِج، نخستین حادثه‌ای بود که پس از ورود علی‌علیه السلام به یمن انجام گرفت. (واقدی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۷۹-۱۰۸۳) بر این اساس، خبر ابن حبیب که می‌نویسد اعزام علی‌علیه السلام در سال نهم هجری و به همراه دویست سوار به سرزمین مَدَجِج صورت گرفت، نادرست به نظر می‌رسد. (ابن حبیب، بی‌تا، ص ۱۲۵-۱۲۶) همچنین برخی گزارش‌ها که مدعی‌اند علی‌علیه السلام در یمن با عمرو بن معدی کرب زبیدی جنگید، (احمدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۲-۳۳) پذیرفتنی نیست؛ چراکه ارتداد عمرو مربوط به پس از رحلت رسول خدا ﷺ است.

## ۱-۲. دریافت صدقه، جزیه و خمس

در میان مشاهیر فقهی و حدیثی اهل سنت، بخاری و ابن قییم جوزی معتقدند که رسول‌الله ﷺ، علی‌علیه السلام را برای دریافت خمس به یمن فرستاد؛ (عسکری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۲) در حالی که ابن هشام و کسانی چون واقدی مدعی‌اند که علت اعزام آن حضرت، دریافت صدقه از یمنی‌ها بوده است. با این حال، در بین گزارش‌های موجود، عنوان زکات قید نشده و با توجه به موارد شمول و مصارف آن، به نظر می‌رسد

عبارت صدقات می‌توانسته این موضوعات را هم دربر بگیرد؛ چراکه در ارتباط به سفارش‌های رسول‌الله صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که در دعوت مردم به اسلام، نخست آنها را به نماز فرا بخواند؛ سپس از آنها درخواست پرداخت صدقه نماید. همچنین رسول‌الله صلی الله علیه و آله تصریح می‌کند که مصرف صدقه برای فقراست. (واقدی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۷۹)

ابن هشام روایت می‌کند: رسول‌الله صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را بر امور صدقات نجران گماشت. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۲۴۶-۲۴۷ / ابن حبیب، بی‌تا، ص ۱۲۵) در تعریف و تشریح این جریان باید گفت: رسول‌الله صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به یمن فرستاد تا از مردم خمس دریافت کند. با این توصیف، چون دریافت مالیات پس از قبول تبعیت یا تصرف یک منطقه یا غلبه بر یک قوم بوده است، می‌توان گفت که اعزام علی علیه السلام پس از مسلمان شدن مردم یمن یا دست‌کم، سرسپردن به حکومت اسلامی مدینه بوده است. نتیجه پژوهش‌های متأخر بر این ادعاست که در آن ایام، مأموران جمع‌آوری خمس و صدقه از هم جدا بودند و به کسانی که به دریافت خمس می‌پرداختند «مُخَمَّسین» و به کسانی که صدقه جمع می‌کردند «مُصَدِّق» گفته می‌شد. با این بیان، این مسئله مطرح می‌شود که آیا علی علیه السلام بدون آنکه مأمور دریافت خمس و صدقه باشد، فقط مأمور جمع‌آوری مالیات بوده است؟ ضمن آنکه در این مقوله، نوع و چگونگی دریافت این نوع مالیات‌ها مشخص نشده است؛ و نیز در خصوص مالیاتی که اهل کتاب باید پرداخت می‌کردند، تنها کسی که گزارش می‌دهد، واقدی است. بر اساس این خبر، علی علیه السلام با عنوان صدقات، میزان هر چیز را مشخص، و آن را به مأموران مالیاتی (مُصَدِّق) ابلاغ نمود. (واقدی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۶) از سویی، با توجه به آنکه ثروت قبایل، بیش از آنکه از محصولات کشاورزی باشد، مربوط به دام‌داری و پرورش چهارپایان می‌شد، می‌توان گفت: دریافت مالیاتی از این نوع، مشمول صدقه می‌شده است.<sup>۱</sup>

۱. تفکیک مسئولیت‌ها، حوزه اختیارات و انطباق همه این موارد با موازین شرعی و ارتباط آن با دستورهای رسول‌الله صلی الله علیه و آله، از مهم‌ترین مسائلی است که اخبار تاریخی در پاسخ به آن ناتوان است. (عسکری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۶) باید توجه داشت، اگرچه در خصوص موارد شمول زکات، اختلاف نظرانی هست، اما در مواردی چون چهارپایان سه‌گانه، غلات چهارگانه و پول رایج، توافق کلی وجود دارد. به علاوه، با توجه به سخنان امام در این رابطه (همان، ص ۱۰۸۴-۱۰۸۶) و با عنایت به تفاوت‌هایی که در خصوص موارد مشمول و مصارف و دریافت‌کنندگان و مباحث شرعی و قوانین اجرایی هست و عدم تصریح منابع به ذکر این تفاوت‌ها، می‌توان گفت کارگزاران رسول خدا صلی الله علیه و آله مالیات، صدقات و زکات را از مردم دریافت می‌کردند.

## ۲-۲. قضاوت و تشریح احکام

این مسئله، یکی دیگر از علت‌های اعزام علی علیه السلام به یمن بود که مورد استناد و قبول منابع روایی و حدیثی‌ای چون احمد بن حنبل و ابن داوود قرار گرفته است و ایشان آن را در مسانید خود نقل کرده‌اند. دلیل اصلی این ادعا، روایتی است از علی علیه السلام که به نقل از رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم بیان می‌کند. با استناد به گزارش واقدی، در این موضوع، علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درخواست کرد تا به او اجازه دهد در خصوص حادثه‌ای که مورد اختلاف مردم بود، داوری کند. از فحوای کلام امام و نقل خبر، استنباط می‌شود که علی علیه السلام از جانب رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم مأمور بوده است. بیان صریح رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که علی علیه السلام را به یمن می‌فرستاد، این مقوله را تأیید می‌کند: وقتی علی علیه السلام از آن حضرت دربارهٔ مسئولیت سخت داوری پرسید، رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ سَيَهْدِي قَلْبِكَ وَيُثَبِّتُ لِسَانَكَ». (زبیر بن بکار، بی‌تا، ص ۳۶۳-۳۶۴ / وکیع، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۴-۹۷) از جهتی، وقتی رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم اخبار داوری علی علیه السلام را شنید، آن را تصدیق نمود. (احمدی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۲-۳۳)

یکی دیگر از دلایل این مدعا آن است که علی علیه السلام خطاب به مردم گفت: چنان‌که قضاوتش را نپذیرفتند، حقی بر هیچ‌کس نیست تا اینکه رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم در موردشان قضاوت کند. (واقدی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۸۶) از دیگر مصادیق داوری ایشان، دربارهٔ طفلی بود که سه نفر ادعای قیمومیت او را داشتند. حل اختلاف داخلی بنی‌زبید، از دیگر نمونه‌های داوری علی علیه السلام در یمن بوده است. (عسکری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۹)

## ۲-۳. حل اختلاف کارگزاران

برخی بر این باورند که علی علیه السلام مأمور حل اختلاف میان کارگزاران رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم و رجال محلی بوده است. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۲۱)

## ۳. پیامدهای سریهٔ علی بن ابی‌طالب علیه السلام در یمن

اگرچه اعزام علی علیه السلام به یمن دلایل مختلفی داشت، اما آنچه فراتر از اقوال و گزارش‌های تاریخی و در لابه‌لای مسئولیت‌های علی علیه السلام در یمن به دست می‌آید، این است که اعزام آن حضرت به این منطقه، برای معرفی اسلام به مردم و دعوت آنها

بوده است. مفهوم جدی این مقوله، با توجه به دیگر تدابیر رسول الله صلی الله علیه و آله، آن است که مسئله مهمی بوده که هیچ کس جز علی علیه السلام توان انجام آن را با چنین درایتی نداشته است. از همین روی، رسول الله صلی الله علیه و آله آن حضرت را به یمن فرستاد. آثار و پیامدهای سریه علی علیه السلام در یمن، بیانگر اهمیت این سریه و فلسفه اعزام علی علیه السلام و پشتیبانی رسول الله صلی الله علیه و آله از آن حضرت بوده است. این امر، به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که توجه به آن، ابعادی از شخصیت علی علیه السلام و ابهامات تاریخی را روشن خواهد نمود.

### ۳-۱. گرایش قبایل یمنی به اسلام و اهل بیت علیهم السلام

گرایش همگانی قبیله همدان به اسلام، و ارادت ویژه برخی شاخه‌های قبایل یمنی چون قبیله مدحج و همدان به علی علیه السلام و خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله از جمله آثار حضور آن حضرت در یمن بود. (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲۱، ص ۳۵۷-۳۶۴) شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که در تأیید و تحسین اسلام‌پذیری قبایل یمنی از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله نقش داشته، چگونگی تشریف آنان به اسلام و نقش علی علیه السلام در این میان بوده است.<sup>۱</sup> قبیله همدان و تمامی شاخه‌های آن، در یک روز و توسط علی علیه السلام اسلام آوردند. وقتی علی علیه السلام این جریان را برای رسول الله صلی الله علیه و آله نگاهشت، آن حضرت فرمود: «السلام علی همدان».<sup>۲</sup> (ابن عبدربه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۲۱). ارادت یمنی‌ها پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله

۱. عیینة بن حصن الفزاری نقل می‌کند: نزد رسول الله صلی الله علیه و آله درباره نقش مسلمانان هر منطقه در قوت اسلام و دلاوری و جنگاوری سخن به میان آمد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «ان خیر الرجال اهل الیمن والایمان یمن وانا یمنی واکثر قبائل دخول الجنة یوم القیمة...». (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۶۹)

۲. افزون بر این، جریان مباحله که در مقام اثبات حقانیت دعوت الهی رسول الله صلی الله علیه و آله و قرابت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام، به ویژه علی علیه السلام در نزد خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله است، سهم بسزایی در اسلام‌پذیری یمنی‌ها و بزرگان آنها، همچون بنی حارث بن مالک و دیگر طوایف مجاور نجران داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۵۸ / ابن طاووس، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۱۱-۳۵۲) نجران یکی از مناطق مهم یمن است که بسیاری از قبایل قحطانی در آن سکونت داشتند؛ (ابوعبیده، بی تا، ج ۲، ص ۵۷۷) از آن جمله، بنی حارث بن کعب و بنی مسیله هستند. (به ترتیب: همدانی، ۱۹۸۹، ص ۲۲۸-۲۲۹ / حجری، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۰۹-۳۱۰) این در حالی بود که معبد بت یغوث هم در این شهر بود (ابن کلبی، ۱۳۶۴، ص ۴۴۴-۴۴۵) و بسیاری از مردمان این منطقه بت پرست بودند. به علاوه، مسیحیان هم در این منطقه سکونت داشتند. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۳۳-۳۷)

هم ادامه یافت و در گرایش‌های سیاسی و مذهبی آنها در بسیاری از عرصه‌های سرنوشت‌ساز و مهم تاریخ اسلام متبلور گشت. به‌ویژه بسیاری از رجال یمنی در زمره اصحاب، هواداران و کارگزاران اهل‌بیت علیهم‌السلام بودند و نقش مؤثری در نشر و حفظ معارف ایشان ایفا کردند. از مشاهیر و معاریف رجال یمنی که نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اعتبار داشتند، می‌توان به اویس قرنی و عمار بن یاسر اشاره کرد.

### ۳-۲. تبیین و تبلیغ منزلت علی علیه‌السلام نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

حضور علی علیه‌السلام در یمن، در تبیین نقش و جایگاه آن حضرت نزد رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سهم بسزایی داشت؛ چراکه صدور برخی از فضایل و مناقب مرتبط با علی علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام، با این سریه گره خورده است. برای نمونه، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ به شکایت گروهی از مسلمانان که همراه علی علیه‌السلام به یمن رفته بودند، فرمود: «مَنْ أَدَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي». این گروه خواستار آن بودند که پیش از رسیدن اموال جمع‌آوری شده به بیت‌المال مدینه، سهم سپاهیان تقسیم شود که علی علیه‌السلام از این امر امتناع نمود و بدین ترتیب، زمینه‌های شکایت فراهم شد. (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۲۱، ص ۳۵۷-۳۶۴)

### ۳-۳. حضور فعال یاران و طرفداران یمنی علی علیه‌السلام در مقابله با جریان ردّه

از جمله حوادث مهمی که در آخرین روزهای حیات رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامعه اسلامی را متلاطم کرد، جریان ردّه بود. این مقوله پس از رحلت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مهم‌ترین دغدغه‌های حاکمیت مدینه برای حفظ ابهت اسلام و موقعیت خود به‌شمار می‌رفت.<sup>۱</sup>

۱. از نظر مخالفان سقیفه، ارتداد از امامت، ارتداد از دین است؛ و اگر معامله اسلام و مسلمین فقط مذهب و مصلحت مؤمنان باشد، پس کسی که استحقاق دریافت زکات را دارد، امام است؛ (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ص ۵۹۱-۵۹۳) چراکه از یک سو مسئله زکات بسیار مهم، و مخالفت با آن نوعی ارتداد به‌شمار می‌آمد؛ (ابن مسکویه، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۶۳) و از سوی دیگر، این مقوله سبب ویرانی ارکان حکومت می‌شد؛ از این رو، دولت به آن حساسیت ویژه‌ای نشان می‌داد. در این موارد، کاربرد واژه «مرتد» بیانگر استراتژی سیاسی حاکمیت مدینه درباره مخالفان بود و تنها راه دفع آن، استفاده از ابزارهای دینی و صدور فتاوی شرعی بود که با تفسیر به رأی احکام اسلامی به‌دست می‌آمد؛ و به‌گمان آنان، از این راه هواداران اهل‌بیت علیهم‌السلام دفع می‌شدند. (ابن عماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵-۱۶)



سرزمین یمن، معرکه درگیری مسلمانان و مرتدانی بود که مدعی رهبری و ریاست بر سرزمین یمن بودند و می‌پنداشتند با طرح دعاوی مختلف، توان همراه کردن مردم و تشکیل قدرتی برابر با رسول‌الله صلی الله علیه و آله را خواهند داشت. از این‌رو، رسول‌الله صلی الله علیه و آله برای صیانت از حریم شریعت و برکات ناشی از آن، به شدت با این انحراف مقابله نمود. از جمله این انحرافات، ادعای نبوت اسود عَنسی و رده عمرو بن معدی کرب زبیدی است. رسول‌الله صلی الله علیه و آله ضمن صدور دستورهای لازم برای کارگزاران خود، بزرگان یمنی را هم در برابر اسود بسیج نمود. با توجه به تدابیر آن حضرت و اتحاد، شجاعت و صلابت مسلمانان، و ضعف درونی و تشکیلاتی مرتدان، این فتنه فروخواهید. قیس بن هبیره مکشوح مرادی، عمار بن یاسر عَنسی و مالک بن حارث نخعی، از جمله رجال یمنی بودند که در دفع این فتنه و نیز فتنه یمامه و رده ابامسئکه آیادی مشارکت داشتند. (واقدی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۳-۱۲۵ و ۱۹۵)

### ۳-۴. مشارکت فعال هواداران علی علیه السلام در فتوحات اسلامی

گسترش قلمرو اسلامی نتیجه تغییرات شگرف ظهور اسلام در جزیره العرب بود. دیری نپایید که طنین پیام توحید اسلام، بلاد دیگر را فرا گرفت. در این میان، تحولات داخلی جامعه اسلامی و اوضاع ناپایدار مناطق ایران و روم، سربازان اسلام را راهی مرزها کرد. رابطه میان فتوحات و دستگاه خلافت، مسئله تحقیقات و پژوهش‌های متعددی بوده که بیان یافته‌های آن، خارج از حوصله این جستار است؛ اما به‌واقع، واگذاری منصب خلافت از جانب ابوبکر به عمر، تغییرات عمده‌ای در جهت‌دهی مسئله فتوحات و دستیابی به موفقیت‌های روزافزون ایجاد نمود که از آن جمله می‌توان به مشارکت فعال مسلمانان یمنی اشاره کرد. بر این اساس، قبایل یمنی به‌همراه رؤسای خود راهی مدینه شدند و در مرزهای ایران و روم استقرار یافتند. از آن جمله می‌توان به مالک بن حارث نخعی و خاندان وی اشاره کرد که پیرو این فراخوان، عازم مدینه و سپس شام شدند.<sup>۱</sup> آنچه در این مقوله قابل بررسی است،

۱. مالک به‌همراه قبیله‌اش (نخع) سهم مؤثری در پیروزی سپاه اسلام در برابر رومیان داشت. (دینوری، ۱۹۶۰م، ص ۱۵۵ / ابن حبیب، بی‌تا، ص ۳۰۳) در نبرد یرموک که معرکه سرنوشت‌ساز جهاد اسلامی در شمال جزیره العرب بود، جراحات‌های زیادی به مالک وارد شد و یک چشمش را از دست داد (همان، ص ۳۰۲) و به «اشتر» شهرت یافت. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۰۱ / دینوری، ۱۳۶۸ش، ص ۱۲۰) ابن اعثم می‌نویسد: مالک به یارانش دستور داد تا همگی ندای «الله اکبر» سر دهند. این تدبیر، افزون بر ایجاد رعب و وحشت در دل رومیان، آنها را درباره نیروهای همراه مالک، به‌اشتباه می‌انداخت. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰)

انگیزه مالک از حضور در فتوحات است. به نظر می‌رسد مالک به‌عنوان یکی از ارادتمندان اهل بیت علیهم‌السلام جواز حضور و همراهی با سپاه اسلامی را در کسب اجازه از علی علیه‌السلام می‌دید. چنان‌که واقدی می‌نویسد، مالک در مدینه پیش از دیگران با علی علیه‌السلام دیدار کرد. (واقدی، ۱۴۱۷، ص ۶۸-۶۹) تفاوت سلوک و مواضع مالک با دیگران، کسب تکلیف از جانب کسی است که شیعه آن را جانشین بلافصل رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌داند. این نگاه، همچنین در نحوه ظهور و بروز دیگر یاران و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام در صحنه‌های مختلف فتوحات و عرضه اسلام به مردمان مناطق مفتوحه، مشهود است؛ تا جایی که می‌توان گفت ارادتمندان اهل بیت علیهم‌السلام، مبلغ اسلام از دریچه ولایت ایشان بودند. از همین روی، نخستین رویارویی برخی از بلاد مفتوحه چون مدائن با اسلام، با آموزه‌های شیعی عجین گشت.

عمار بن یاسر عنسی، یکی دیگر از صحابه یمنی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌شمار می‌رفت. اگرچه تشرف وی و خانواده‌اش به اسلام، در مکه و نه یمن بود، (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۳، ص ۳۴۸-۴۲۹) ولی فضای جامعه‌شناسی قبیل‌های حاکم بر جزیره‌العرب و تعاملات قبیلۀ عنس با عمار، و جایگاه اخلاف وی در تحولات تاریخ اسلام، سبب شد تا نقش عمار در تحولات تاریخ اسلام، به‌عنوان یکی از پیامدهای مهم مأموریت علی علیه‌السلام در یمن بررسی شود. عمار نیز چون مالک، در صحنه فتوحات اسلامی شرکت کرد و سهم مهمی در فتوحات نخستین اسلامی داشت. وی که در این زمان استان‌دار کوفه بود، از جانب خلیفه دوم مأموریت یافت تا کوفیان را تجهیز و همراه با سپاه بصره اعزام کند. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۳۶۹) او همچنین با فرستادن سپاهی به فرماندهی عروة بن زید طائی، در فتح ری مشارکت کرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۰)

قیس بن هبیره مرادی، از دیگر علاقمندان اهل بیت علیهم‌السلام است که در جریان فتوحات نخستین اسلامی در دو جبهه شام و عراق، و نبردهای یرموک، (ابن حیب، بی‌تا، ص ۳۰۳) قادسیه (دینوری، ۱۹۶۰، ص ۱۲۰/طبری، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۷۳۱/دینوری، ۱۹۶۰، ص ۱۵۵) و جلولا حضور فعال داشت.<sup>۱</sup> (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۱۱)

از دیگر رجال یمنی هوادار امام علی علیه‌السلام، حذیفه بن یمان است که از فرماندهان مسلمان در جنگ نهاوند بود و در پیروزی مسلمانان در این نبرد، سهم بسزایی داشت. (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۳۷-۱۳۸)

۱. از نظر قیس، رمز موفقیت مسلمانان در فتوحات، اعتقاد توحیدی، شهادت‌طلبی و رشادت آنها بوده است. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۵۷)

### ۳-۵. یاران و هواداران علی<sup>علیه السلام</sup> در اداره امور ولایات

از مجموع تحولات مدینه و اقدامات دستگاه خلافت، می‌توان چنین برداشت کرد که مواضع سه خلیفه نخستین نسبت به قبایل و شخصیت‌ها، با هدف تثبیت خلافت بوده است. دلیل این مدعا رویکرد خلیفه دوم به عمار بن یاسر است، زمانی که او را به امارت کوفه منصوب و سپس عزل نمود. (ابونعیم اصبهانی، ۱۹۳۴، ص ۲۳) در خصوص هدف خلیفه از این اقدام، گزارش موثق و مستندی به دست نیامد؛ اما از آنجا که عمار پیش از این توانسته بود اختلاف کوفیان را حل کند، (هیثمی، ۱۹۸۸، ج ۱۰، ص ۱۲) احتمالاً دستگاه خلافت را مصمم ساخته بود که با تکیه بر جنگاوری و سابقه او می‌توان بر مشکلات شهر تازه تأسیس کوفه فایق آمد. طبق دستور عمر، عمار مسئول برگزاری نماز و اداره لشکر شد (قمی، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۸۳) و عبدالله بن مسعود انصاری و عثمان بن حنیف انصاری به ترتیب مسئول تقسیم بیت‌المال و امور قضایی (وکیع، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۸) و امنیت کوفه شدند. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۶۵)

خلیفه پس از مدتی کوتاه، عمار را از امور کوفه عزل، و مغیره بن شعبه را به جای وی منصوب کرد. در این زمینه، قراین و شواهدی که از منابع اسلامی استخراج می‌شود، حایز اهمیت و دربردارنده بسیاری از حقایقی است که در لابه‌لای اخبار تاریخی پنهان مانده است. به نوشته ابن اعثم، کوفیان نامه‌هایی را برای عمر نوشتند که در آن به رفتار عمار معترض بودند. این در حالی بود که عمر از مطالب کوفیان آگاه و اخلاق آنها را نکوهیده بود. با این حال، لازمه حفظ کوفه و جلب حمایت اهالی آن، همراهی نسبی با خواسته‌هایشان را می‌طلبید. طبری بر نقش مغیره بن شعبه ثقفی، جریر بن عبدالله بجلی و کوفیان در برکناری عمار تصریح می‌کند.<sup>۱</sup> (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۶۳-۱۶۷)

۱. وقتی عمر با اعتراض کوفیان مواجه شد، از کسانی که در کنارش بودند پرسید: «کدام یک بر امارت شایسته‌تر است: مرد ضعیفی که مسلمان و باتقواست یا کسی که فاجر است، اما توانمند؟». مغیره بن شعبه جواب داد: «مسلمان ضعیف دینش برای خودش است و ضعفش به ضرر تو و جمیع مسلمانان؛ اما مرد قوی فاجر، جورش به خودش برمی‌گردد و قوتش به نفع تو و همه مسلمانان است». خلیفه این کلام را تصدیق کرد؛ سپس عمار را عزل و ولایت کوفه را به مغیره سپرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶) این مهم بیانگر ساختار حاکمیت در تفکر پیروان مکتب خلافت و حکومت‌هایی است که در آن، اصالت با قدرت است.

افزون بر این، میان عمار و ابوموسی در امور نظامی و اداری عراق، اختلاف نظرها و درگیری‌هایی وجود داشت و به‌استناد خبر تاریخ قم، هم‌زمان با فراغت ابوموسی اشعری از فتوحات ایران و بازگشت او به بصره، عمار هم از امارت کوفه برکنار شد. (قمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۹۸-۳۰۱) با تطبیق این روایت با گزارش ابن اعثم که رقابت میان کوفیان و بصریان را تصریح می‌کند، می‌توان گفت: ابوموسی وجود عمار را مانعی برای خود می‌دیده است. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶)

این احتمال نیز مطرح شده است که علت برکناری عمار، تخطی وی از دستورهای خلیفه یا سستی در انجام وظایفش بوده است. در پاسخ به این احتمال باید گفت: اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهند اموری که خلیفه به عمار محول می‌کرد، انجام می‌شد و حتی چنانچه مسئله‌ای پیش می‌آمد، عمار بدون دستور خلیفه کاری نمی‌کرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۹-۲۹۰ و ۲۷۵-۲۷۶) بنابراین، با توجه به مواضع عمار نسبت به حوادث تاریخ صدر اسلام، معلوم می‌شود که وی در پیروی از سیره رسول‌الله ﷺ و اهل بیت  قرار داشته و از حیث نظری و عملی، با تفکر برخاسته از دستگاه خلافت برآمده از نظرگاه سقیفه همسو نبوده است. دلیل این مدعا آنکه عمار، هم در تداوم روند فتوحات شرق اسلامی و هم در برخورد با طبقات گوناگون مردم، به‌گونه‌ای متفاوت از دیگر عمال خلیفه عمل می‌کرد. (همان، ص ۲۹۰-۲۹۱ / ابن عبدربه، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۱۲۷ / ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۹۱-۱۹۴) چنان‌که وقتی خلیفه از برکناری وی اظهار تأسف نمود، عمار گله‌ای نکرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۲۲-۳۲۳) افزون بر این، برخی دیگر از هواداران امام علی  در زمره کارگزاران خلفای سه‌گانه بودند. از این میان می‌توان به مسئولیت‌های عبدالله بن مسعود انصاری، حذیفه بن یمان (بلاذری، ۱۹۵۹، ج ۱۱، ص ۲۱۴) و عثمان بن حنیف در شهر کوفه در دوران خلافت عمر اشاره کرد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۳)

در دوران خلافت امام علی  حضور یمنی‌ها توسعه یافت؛ تا آنجا که برخی از آنها بر بیش از یک ولایت منصوب شدند. از آن جمله مالک بن حارث (اشتر) نخعی است که در این دوران به ترتیب استاندار جزیره، (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۵۱) عانات، آمد، میافارقین، نصیبین، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۷۶) موصل، دارا، سنجار،

عانات، هیت (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۱۲) و سرانجام مصر بود.<sup>۱</sup> (مقریزی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۸۲۸) کمیل بن زیاد نخعی، یکی دیگر از مشاهیر یمنی بود که از طرف آن حضرت به عنوان والی هیت منصوب شد. کمیل در مقابله و دفع غارات معاویه در شمال عراق سهم مهمی داشت. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۳۷) برخی دیگر از کارگزاران امام علی بن ابی طالب علیه السلام که از هواداران و شیعیان آن حضرت بودند، عبارت‌اند از: مخنف بن سلیم الغامدی ازدی (اصفهان و همدان)، (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۱۱) حارث بن ابی حارث بن ربیع ازدی (اصفهان)، یزید بن قیس ارحبی (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۱) جوخ و مدائن، (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۱۱) قیس بن عباده خزرجی (آذربایجان)، (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۲ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۱) و مصر، (همان، ج ۲، ص ۳۰۱) عثمان بن حنیف انصاری (بصره)، (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۰۹) ابوالأسود دوئلی (بصره)، قرظة بن کعب انصاری (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳) (بهقبادات)، قدامة بن مضعون (عجلان)، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۰) ازدی (کسکر)، (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۱۱) مالک بن کعب ارحبی (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۵) و به قولی کعب بن مالک (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۴) (بهقبادات)، سلیمان بن سرد خزاعی (جَبَل)، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۶) هانی بن هوذه نخعی (کوفه)، (ثقفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸-۲۷) حذیفه بن یمان (مداین)، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۱۶) سهل بن حنیف انصاری (مدینه)، (همان، ص ۱۵۷ / یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳) ابوقتاده انصاری (مکه)، عمر بن سلمه ارحبی (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳) و نعمان بن عجلان ازرقی (بحرین). (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۵۸ / یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۱) بدین ترتیب، می‌توان گفت: نقش یمنی‌ها در دوران خلافت امام علی بن ابی طالب علیه السلام قوی و نسبت به دوران سه خلیفه پیشین و پس از آن، از گسترش کمی و

۱. مالک در راه مصر و در منزل قلزم، توسط جایستار، مأمور مالی العریش مسموم شد و به شهادت رسید. (مفید الاختصاص، بی‌تا، ص ۷۹-۸۱) انتشار خبر شهادت مالک، امام، خانواده و دوستانش را بسیار متأثر و محزون ساخت؛ چنان‌که امام فرمود: «رَجِمَ اللهُ مالکاً ما مالک لو کان مِن جَبَل لکان فیندا أو مِن حَجَر لکان صَلدا علی مثل مالک»؛ یعنی «خدا مالک را رحمت کند؛ چه مالکی! اگر کوه بود، یگانه و ممتاز بود؛ و اگر سنگ بود، سخت و محکم بود». سپس به مدت طولانی گریه کرد و فرمود: مانند مالک پیدا نمی‌شود. (زبیر بن بکار، بی‌تا، ص ۱۹۴) بازتاب این خبر برای دشمنان اهل بیت علیهم السلام بسیار خوشحال‌کننده و امیدبخش بود. (مقریزی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۸۲۸)

کیفی قابل توجهی برخوردار بوده است. این امر در رشد و نفوذ معارف اهل بیت علیهم‌السلام و آشنایی مردم با اهل بیت علیهم‌السلام نقش بسزایی داشت. (فهرست اسامی برگرفته از منتظرالقیام، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱-۱۹۶)

### ۳-۶. نقش هواداران علی علیه‌السلام در توسعه و تقویت نظام شهری - اسلامی

همزمان با نخستین تحركات نظامی مسلمانان، شهرهای جدیدی ایجاد شد. هدف از این کار آن بود که نیروهای رزمنده، در مناطق رزمی و عملیاتی استقرار یابند. مواضع قبایل عرب ساکن عراق، در سیاست‌ها و طرح‌های مدیریتی و نظامی خلافت و تأمین نیرو و امکانات مورد نیاز دولت در طی دو قرن نخست هجری، نقش بسزایی داشته است. (جعیت هشام، ۱۳۷۲ش، ص ۸۶-۸۸) از آن جمله، شهر کوفه و بصره بود که در نخستین سال‌های فتوحات اسلامی در شرق برپا شدند، ساختار اجتماعی و نژادی شهر کوفه و بصره، قبیله‌ای بود. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۷۴) برای نمونه، چهار قسمت از هفت بخش کوفه که سعد بن ابی‌وقاص برای اعراب در نظر گرفت، متعلق به یمنی‌ها بود. قبیله مذحج، همدان، اشعر و طی، در این گروه قرار داشتند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۵) گرایش‌های سیاسی عقیدتی ساکنان مناطق مفتوحه، به تناسب سوابق فرهنگی و تاریخی مناطق مختلف جزیره‌العرب و عصبیت‌های قومی - نژادی و تغییرات سیاسی - اجتماعی صدر اسلام، متنوع بود؛ چنان‌که کوفه به‌عنوان مرکز ثقل فعالیت اهل بیت علیهم‌السلام، محل نشر معارف دینی و محل تجمع دانشمندان در قرون نخست اسلامی به‌شمار می‌آمد و قبایل مختلف آن در صحنه‌های گوناگون رویه‌های مختلفی داشتند. (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۲۷۰-۲۷۲) با توجه به وسعت روزافزون قلمرو اسلامی، این ترکیب به مناطق دیگر هم سرایت کرد و اسباب تغییرات مهم اجتماعی را فراهم آورد.<sup>۱</sup> (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۴۰۹)

۱. مثلاً عقب‌امار بن یاسر از نخستین کسانی بودند که وارد اندلس شدند و در شهرهای مختلف آن استقرار یافتند. (مقری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵) این خانواده اهل علم و دین و سیاست بودند و شخصیت‌های معروفی از آن نشو و نما کردند. (ابن خطیب، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۸۸-۹۲ و ج ۴، ص ۵۶ و ۱۰۱) همچنین بخشی از ترکیب قبیله‌ای مذحج و اشعر کوفه، که از علاقمندان اهل بیت علیهم‌السلام بودند، در قم و قزوین اسکان داده شدند. (ابن فقیه، ۱۴۱۶، ص ۵۴۷ و ۵۶۱)

### ۳-۷. مواضع یمنی‌های شیعه نسبت به تحولات تاریخی دو قرن نخست هجری

یکی از مسائل مهم در تداوم هوادارای یمنی‌ها از اهل بیت علیهم السلام، مشارکت فعال آنها در مبارزات فرهنگی و اجتماعی در دفاع از اسلام و مبارزه با ظلم و بدعت‌ها و انحرافات بوده است. این مهم در موارد متعددی قابل بررسی است که مهم‌ترین آنها در ادامه بیان می‌شود.

۳-۷-۱. **جانشینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله**: با وجود تدابیر رسول الله صلی الله علیه و آله و نص دین، نخستین و مهم‌ترین عرصه تحزب و اختلاف آرای مسلمانان، پیرامون جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله بود. حادثه سقیفه عرصه نمود این اختلاف بود که به دنبال آن جریان موسوم به مکتب خلافت پیروز شد و چنین وانمود که گویی مسئله جانشینی رسول الله صلی الله علیه و آله امری است که به مردم واگذار شده است. از همین روی، گروهی از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله به این اقدام اعتراض کردند و تصمیم گرفتند تا اجازه تثبیت خلافت ابوبکر را ندهند و جانشینی را در خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله محفوظ دارند.

در میان این گروه، عمار بن یاسر هم حضور داشت که تنها دلیل مخالفت خود با ابوبکر را قول و فعل رسول الله صلی الله علیه و آله می‌دانست. از این رو، تأکید داشت که خلافت ابوبکر نامشروع و غصبی است. (زبیر بن بکار، بی تا، ص ۳۱۲) عمار پس از این هم به روش انتخاب عثمان و خلافت وی انتقاداتی داشت و از کسانی که او را به عنوان جانشین عمر قبول داشتند، انتقاد می‌کرد. (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۸) او در رد گروهی که خلافت را نوعی ریاست قبیله‌ای فرض می‌کردند و آن را حق خاندان قریش می‌دانستند، جامعه اسلامی را متوجه رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام می‌نمود. (ابن عبدربه، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۷-۲۹) عملکرد عمار، پیروی از اهل بیت علیهم السلام بود و متناسب با درک مسیری که آنها می‌پیمودند، اقدام می‌کرد. بنابراین، برخورد وی با مسائل مختلف، برخاسته از مواضع قبیله‌ای و در جهت تأمین منافع فردی و موقعیت‌طلبی نبود. این موضع، همواره در سلوک پیروان اهل بیت علیهم السلام مشاهده می‌شد. (زبیر بن بکار، بی تا، ص ۶۱۰-۶۱۷) شهادت و مخالفت عمار با دستگاه خلافت تا آنجا بود که مورد عتاب، اذیت و ضرب و شتم خلیفه و دستیارانش قرار گرفت و سرانجام متهم به ایجاد شورش در برابر عثمان شد. شاید به همین دلیل بود که خلیفه سوم تصمیم گرفته بود او را بکشد. (ابن قتیبه، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳)

دیگر یاران یمنی علی علیه السلام، چون کمیل بن زیاد و مالک اشتر، سیاست‌ها و منش حکومتی عثمان و عمالش را نقد می‌کردند. از این‌رو، به‌دستور عثمان به شام تبعید شدند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۳۱-۴۳۳) برخی دیگر نیز مورد تحقیر و اهانت قرار گرفتند. (ابن شبه، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۰۶۵-۱۰۶۶) تبعید این گروه به شام، بیش از هر چیز فرصتی برای بیدارگری مردم بود؛ چنان‌که معاویه، عامل عثمان در شام را نگران و آشفته ساخت. به‌ویژه آنکه کوفیان نشست‌هایی هم با معاویه داشتند و دلایل خود را برای مخالفت با عثمان تشریح می‌کردند.<sup>۱</sup> گویا تأثیرگذاری این سخنان و افشاگری‌ها قابل کنترل نبوده است؛ چراکه معاویه تقاضا کرد تبعیدیان به‌جای دیگری بروند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۲) با این حال، کوفیان و یمنی‌های شیعه، در عراق و مناسک حج از رفتار عمال خلیفه شکایت می‌کردند. (همان، ص ۴۰۳-۴۰۵ / خوارزمی، ۱۴۱۱، ص ۲۴۷-۲۴۹) و هم‌زمان بر شایستگی علی علیه السلام برای منصب خلافت تأکید می‌ورزیدند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۹۱-۳۹۲) آنان در تحصن عمومی مدینه هم حضور یافتند. (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۸) یاران یمنی علی علیه السلام نقش مهمی در استقرار و تثبیت خلافت آن حضرت داشتند که در جای دیگری بررسی می‌شود.

**۳-۷-۲. یاران یمنی اهل بیت علیهم السلام و خلافت امام علی علیه السلام: یاران و قبایل یمنی هوادار اهل بیت علیهم السلام سهم ویژه‌ای در اقبال عمومی به سمت علی علیه السلام و فراهم آوردن اسباب خلافت آن حضرت داشتند. مواضع قبیله‌ای و رجال شیعی ازد، مذحج و همدان و طوایف متعلق به آنها، در جهت حمایت از اهل بیت علیهم السلام بوده و در صحنه‌های مختلف نظامی، اجتماعی و جهت‌دهی عنصر قبیله‌ای در راستای تثبیت و تقویت خلافت امام علی علیه السلام نقش داشتند. در مواردی، این حمایت و حضور چنان پرقت بود که آنها را با عنوان سبائیین هم می‌شناختند.<sup>۲</sup> به‌نظر می‌رسد تحلیل عنوان سبائیه از نگاه محققان**

۱. مثلاً مالک اشتر اصرار می‌ورزید که روش عثمان مغایر با کتاب خدا و سنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله و مخالف مسلک سیاسی و منش اجتماعی دو خلیفه پیشین است. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۲)  
 ۲. علامه عسکری در بیان ماهیت مسئله سبائیین می‌نویسد: منظور از این لغت، سبئی‌های یمنی و پیروان امام علی علیه السلام هستند و افرادی چون عمار یاسر، مالک اشتر، کمیل بن زیاد، حجر بن عدی کندی، قیس بن سعد انصاری، سهل بن ثابت، سهل بن عباد خزرچی، عبدالله بن بدیل خزاعی، عمرو ابن حمق خزاعی و سلیمان بن سرد خزاعی در این گروه قرار دارند؛ چراکه نسب همه آنها به سبأ می‌رسد. این عنوان از قدیم به آنها گفته می‌شد و در روزگار معاویه با عبارت «سبائیه ترابیه» مشهور بوده‌اند. (عسکری، ۱۴۱۲، ص ۲۶۶-۲۶۷)



معاصر، بیشتر قابل پذیرش و اثبات است؛ چراکه هم با سوابق نسبی رجال شیعه مطابقت دارد و هم با رده‌بندی گرایش‌های مذهبی و سیاسی معمول در آن زمان همخوان است.

از جمله صحابه برجسته یمنی مؤثر در استقرار و تثبیت خلافت امام علی<sup>علیه السلام</sup>، عمار ابن یاسر بود. وی در جمع صحابه و انصار حضور می‌یافت و بر لزوم شناخت و اطاعت از امام و ضرورت دوری از تفرقه و فتنه‌جویی تأکید می‌کرد.<sup>۱</sup> نقش عمار در برخورد با صحابه و کسانی که از بیعت با امام سر باز می‌زدند، ناشی از آگاهی وی به روحیات این گروه و افکارشان بود. (مفید، الاختصاص، بی‌تا، ص ۱۵۲) افزون بر این و به‌نوشته ابن اعثم، مسئول استقبال از بزرگان و سران یمنی، مالک اشتر بود. وی در جمع یمنی‌ها، همگان را به بیعت با امام رهنمون می‌شد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۴۰-۴۴۵) این‌گونه بود که فضایل اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> توسط هواداران‌شان تبیین، و امر خلافت امام تثبیت شد.

یاران یمنی علی<sup>علیه السلام</sup> در مجالس مشورتی نیز حضور می‌یافتند. عمار بن یاسر عَنسی، مالک اشتر نخعی، (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۹) هانی بن عروه مرادی، حجر بن عدی کندی و عمرو بن حمق خزاعی از آن جمله‌اند.<sup>۲</sup> (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۹۰-۴۹۲) برخی هم از کارگزاران علی<sup>علیه السلام</sup> بودند. (رجوع شود به اداره امور ولایات) در این زمان، مسئله عثمان یکی از شاخصه‌های عمده در شکل‌گیری گرایش‌های مختلف سیاسی - مذهبی به‌شمار می‌رفت. به‌ویژه دو جریان عثمانی به سردمداری امویان، معاویه و بصریان، (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۴-۸۵) و شیعی و علوی به هواداری اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> فعال‌تر از دیگران بودند. تب‌وتاب تبلیغات عثمانی در شام چنان بود که کسی چون مالک اشتر رفتار شامیان را به‌سخره می‌گرفت و گفتارشان را کودکانه

۱. عمار خطاب به حاضران چنین سخن می‌گفت: «ای جماعت انصار و مهاجران! عثمان را دیدید که چگونه زیست؟ اینک علی<sup>علیه السلام</sup> در میان شماست. از قرابت او نزد رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> آگاهید. از تفرقه بپرهیزید و در بیعت او سرعت بگیرید». (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۴۱-۴۴۲)

۲. امام علی<sup>علیه السلام</sup> با مشورت مالک اشتر، ابوموسی اشعری را بر کوفه ابقا نمود (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵، ص ۱۵۲) و به‌واسطه صحبت با عمار بن یاسر، مکر و فتنه‌های مغیره بن شعبه را روشن کرد. (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵)

تعبیر می‌کرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۲۰) در این میان، برخی از یاران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام که به مخالفت با عثمان مشهور بودند، بیش از دیگران هدف آماج تیر خون‌خواهان عثمان بودند. در رأس این گروه مالک اشتر، عدی بن حاتم طایی و عمرو ابن حمق خزاعی قرار داشتند. (همان، ص ۴۴۵)

مواضع عثمانی‌گری جریان مخالف علی علیه‌السلام سبب بروز جریان ناکثین و نبرد جمل شد و سهم یاران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام در دفاع از حریم ولایت و افشاگری مقاصد دشمنان، مفید و موثر بود. این گروه سهم عمده‌ای در آماده کردن نیرو برای تأمین اهداف امام در پیکار جمل داشتند؛ به گونه‌ای که کوفیان یمنی به تبعیت از نظر بزرگان خود، آماده نبرد با پیمان‌شکنان شدند. ابن ابی‌شبیبه روایت می‌کند حضور مذجج عراق و نخع، چنان قوی بود که به تنهایی از پس ناکثین برمی‌آمدند.<sup>۱</sup> (ابن ابی‌شبیبه، ۱۴۰۱، ج ۸، ص ۷۱)

با استفاده از گزارش‌های تاریخی روشن می‌شود که ترکیب سپاه عراق به شکل قبیله‌ای بوده است و قبایل یمنی هوادار اهل بیت علیهم‌السلام مانند مذجج و همدان و نخع در آن حضور جدی داشته‌اند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۶۵) بر این اساس، می‌توان گفت ترکیب قبیله‌ای کوفیان در سه نبرد جمل، صفین و نهروان، شباهت زیادی به یکدیگر داشته و این خود متناسب با ساختار جمعیتی و سکونت‌ی اعراب در کوفه و عراق بوده است.<sup>۲</sup> (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۵) به علاوه، یمنی‌ها فرماندهی بخش‌هایی

۱. به گزارش ابن قتیبه، عمار در مشورت با امام به ایشان گفت: «امیرمؤمنان! ما با تو بیعت کردیم و کسی را نمی‌بینیم که با تو مبارزه کند. پس اگر سرکشی کردند، به تأکید، خدا او را یاری می‌کند»؛ و گفت: «ای مردم! همانا شما بر نفس خود سرکشی کردید». همچنین گفته است: «هر کسی بیعت‌شکنی کند، بیعت با نفس را شکسته است. کوفه از آن ماست و بصره نیز؛ و ما بر آنچه دوست داشتنی و سزای تو است، دست یافتیم. فریب‌خورده بازگشته؛ و در شام مردی است که هرگز تسلیم نمی‌شود، مگر اینکه کشته شود یا مغلوب گردد. پس تعجیل کن پیش از آنکه او کاری کند و او را پیش از جنگ در اختیار گیر». (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۹) مالک اشتر نیز با تبیین دیدگاه امام و تعظیم نمایندگان آن حضرت در عراق، توطئه ابوموسی را افشا می‌کرد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۵ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۱۳)

۲. به نوشته طبری، هانی بن مرادی با چهار هزار پیاده و هشت هزار سواره از قبیله مراد به علی علیه‌السلام پیوست. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۲۸۰)

از سپاه عراق را بر عهده داشتند.<sup>۱</sup> علی<sup>علیه السلام</sup> در نبرد صفین از وجود هانی بن عروه مرادی، حجر بن عدی، کمیل بن زیاد نخعی و خَرَشَة بن مالک بن جریر اودی، ربیعة ابن مالک، شیبب بن عبدالله مذحجی، شریح بن هانی حارثی، عبدالله بن ذباب مذحجی و قیس بن مکشوح مرادی و دیگر یاران یمنی خود، برای تجهیز سپاه، افشای مقاصد قاسطین و تبیین حقایق، بسیار بهره برد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۹۰-۴۹۲)

اهمیت حضور و مشارکت رجال و قبایل یمنی هوادار اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در پیشبرد اهداف نبرد صفین و قرار گرفتن در ردیف مدیریت راهبردی، در موارد متعدد قابل بررسی است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: تعدد نیروهای اعزامی به میدان؛ مسئولیت‌های عمده و مهم یمنی‌ها؛ حمایت فکری و عملی مشاهیر یمنی (اعم از صحابه و تابعان) از علی<sup>علیه السلام</sup>؛ توصیفات امام علی<sup>علیه السلام</sup> و سران عراقی و شامی از یمنی‌ها؛ اشعار و رجزهای سروده‌شده در این پیکار از سوی یمنی‌ها؛<sup>۲</sup> ترس و اضطراب و کینه معاویه از یادآوری رشادت‌های قبایل یمنی در صفین. همچنین بخش عظیمی از فهرست کشتگان صفین که در سپاه عراق و در کنار علی<sup>علیه السلام</sup> با معاویه جنگیدند، از یمنی‌ها بودند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵-۹)

در این پیکار، عمار یاسر هم به شهادت رسید. حضور عمار در کنار امام علی<sup>علیه السلام</sup> و در موقعیت‌های حساس حکومت آن حضرت، نقش مهمی در تبیین حقیقت و تفهیم آن برای عموم امت اسلامی داشته است. این مقوله به‌ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که مردم احادیثی از رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> درباره عمار را به یاد می‌آورند که فرموده بود: «عَمَّارٌ تَقْتُلُكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ» (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶۶-۲۶۹) یا «يَدُورُ الْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ حَيْثُمَا دَارَ». (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۶۱) معاویه کشتن عمار را افتخاری

۱. مثلاً در نبرد جمل، فرماندهی سواران یک سمت سپاه با عمار بن یاسر، و ریاست سمت دیگر بر عهده مالک اشتر بود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۷)

۲. جایگاه یمنی‌ها، به‌ویژه در اشعار، رجزها و مرثیاتی که در پیکار صفین سروده شده، ظهور جدی یافته است. مضامین این اشعار دربردارنده گرایش‌های مذهبی، توانمندی‌های نظامی و علت‌های رویارویی هر دو سپاه است. (امینی، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۵۶-۱۵۷)

عظیم برای شامیان می‌دانست و آن را «فتح‌الفتوح» صفین قلمداد کرد.<sup>۱</sup> (ابن عبدربه، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۸۳-۸۵) یکی دیگر از هواداران یمنی علی علیه السلام، اویس بن عامر مرادی قرنی است که در پیکار صفین به شهادت رسید.<sup>۲</sup> (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۸) از دیگر شهدای صفین، عبدالله بن کعب مرادی است.<sup>۳</sup>

۳-۷-۳. مبارزات فرهنگی یاران یمنی اهل بیت علیهم السلام علیه امویان: با روی کار آمدن امویان، جامعه اسلامی با دو خطر مهم مواجه شد: نخست، حاکمیت ناسالم و نامشروع اموی که برای حفظ قدرت و تثبیت جایگاه خود، از هر وسیله‌ای حتی دین استفاده می‌کرد و به تخریب شخصیت‌های موجه به‌ویژه اهل بیت علیهم السلام در نزد مردم می‌پرداخت و اصل اسلام را هدف قرار داده بود؛ دیگری خطرهایی چون اشرافیت‌گرایی، جمود فکری، نیازدگی و غلبه احساسات نفسانی و بزرگ انگاشتن دنیا بود. مقابله با این دو، جز از راه جهاد بیرونی و درونی ممکن نبود. از این رو، کسانی بودند که در عرصه جهاد درونی، و پیرو آن در مبارزه بیرونی، از جبهه باطل شکست خوردند. در این میان هم کسانی بودند که در دو جبهه جهاد می‌کردند و با آگاهی از اوضاع زمانه و قدم گذاشتن در مسیر اهل بیت علیهم السلام برای حفظ و نشر اسلام ناب و سازماندهی جامعه

۱. وی با استفاده از احادیث رسول‌الله صلی الله علیه و آله به تبیین جایگاه علی علیه السلام و روشنگری مردم پرداخت (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۳، ص ۳۵۶) و شامیان و قاسطین را مضطرب ساخت؛ تا جایی که ابن اعثم علت شهادت عمار را در این افشاگری، تولی و تبری می‌داند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۵۸-۱۶۱) علی علیه السلام درباره عمار فرمود: «خدا رحمت کند عمار را که حیات و رزق کریم بر او واجب شد. کدامتان می‌خواهید مثل عمار زندگی کنید». (ابن قتیبه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۲۶) شهادت عمار پیامدهای مختلفی داشت که از آن جمله سبب بیداری برخی از بزرگان سپاه عراق (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۹۹) و تنبه و بازگشت گروهی از شامیان از معاویه شد. (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۶۶)

۲. جابر بن یزید جعفی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند در روز صفین، از تابعان سه نفر بودند که رسول‌الله صلی الله علیه و آله مژده بهشت را به آنها داده بود؛ در حالی که آنها را ندیده بود؛ یکی از آن سه تن، اویس قرنی است. (مفید، الاختصاص، بی تا، ص ۸۱-۸۲)

۳. وی در آخرین لحظات عمرش، خطاب به مردی از خویشاوندانش وصیت کرد که دست از حمایت علی علیه السلام برندارند و مطیع دستوراتش باشند. به نقل منابع، وقتی خبر شهادتش به امام رسید، فرمود: «خدا او را رحمت کند که پیکار کرد و نیک‌خواه ما بود». (خلیفه، بی تا، ص ۱۴۶)

مبتنی بر آموزه‌های مکتب تشیع می‌کوشیدند؛ اما عموماً در اقلیت قرار داشتند و نمی‌توانستند خویشاوندان و هم‌قبیلگان خود را متقاعد سازند. این گروه در مواجهه با ظلم و فساد، به افشاگری و دفاع از حریم ولایت اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> می‌پرداختند و انواع شکنجه‌ها بر آنها تحمیل شد. از این نمونه می‌توان به خطابه‌ها و اشعار مهم و اثرگذار یاران یمنی اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> در حضور معاویه اشاره کرد. این گروه که به دلیل ارادت به اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> و حضور فعال در صحنه سیاسی - نظامی به شام احضار می‌شدند، ماهیت غیراسلامی خلافت شام را افشا و از حریم اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> دفاع می‌کردند. ام‌سنان مدحجی، زرقاء بنت عدی همدانی، (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۲۳-۶۴/ ضبی، ۱۴۰۴، ص ۲۱-۲۶) ام‌الخیر بارقی، (ابن ابی‌طاهر، بی‌تا، ص ۵۵-۵۹) بکاره هلالیه، (ضبی، ۱۴۰۴، ص ۷۱-۷۲) سوده بنت عماره بن اشتر همدانی، (همان، ص ۶۹) عکرشه بنت الاطش، (همان، ص ۳۷-۳۹)، فارغه بنت عبد الرحمن حارثیه (همان، ص ۵۹) و آمنه بنت شریذ از جمله زنان شیعه یمنی اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> بودند که اشعار و خطابه‌هایشان تن معاویه را به لرزه درآورد. (ص ۵۲-۵۷) برخوردار آگاهانه و شجاعانه شریک بن عور حارثی و هانی بن عروه مرادی درباره جانشینی یزید و برملا کردن خباثت‌های معاویه و دفاع از حقانیت امام علی<sup>علیه السلام</sup> از نمونه‌های دیگر پامردی هواداران یمنی علی<sup>علیه السلام</sup> در جهاد در راه خدا بوده است. (ضبی، ۱۴۰۴، ص ۵) هانی بن عروه مرادی بارها به واسطه حمایت از علی<sup>علیه السلام</sup> و فرزندانش مورد نکوهش و آزار معاویه و بنی‌امیه قرار گرفت. (احمدی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۸۵-۴۸۶)

۳-۷-۴. جنبش حجر بن عدی کندی:<sup>۱</sup> نمود دیگر حضور فعال شیعیان، قیام حجر بن عدی است. وی از جمله هواداران اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> بود که در یمن سکونت داشت و در

---

۱. حجر بن عدی کندی معروف به «حجرالخیر» از اصحاب رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> بود که در وفد کنده به حضور آن حضرت رسید و پس از نبرد قادسیه، در کوفه سکنی گزید. در عبادت و شجاعت معروف بود و از یاران امام علی<sup>علیه السلام</sup> و فرزندان به‌شمار می‌رفت. (دینوری، ۱۳۶۳، ص ۲۲۳) در سه پیکار جمل، صفین و نهروان حضور داشت و از امیران لشکر آن حضرت بود. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲) در مسئله صلح امام حسن<sup>علیه السلام</sup> معترض بود؛ ولی امام او را توجیه کرد. (همان، ص ۱۵۱-۱۵۲ و ۴۵-۴۶)

مقابل کارگزاران اموی که در یمن به سر می‌بردند، ایستاد و سیاست‌های دستگاه خلافت را افشا نمود. از همین روی، مورد شکنجه قرار گرفت و سرانجام به‌همراه یارانش و به‌دستور معاویه در مرج عذراء به‌شهادت رسید (۵۲ق). (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۷۲-۴۸۳) در شهادت‌نامه‌ای که رجال کوفی به شام فرستادند، تأیید کردند که حجر علیه عثمان سخن گفته، خلیفه را خلع کرده، به خدا کفر ورزیده (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۵۴) و مردم را به فتنه‌جویی و شکستن بیعت با خلیفه دعوت کرده است؛ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۶۹-۲۷۰) اما به‌واقع می‌توان گفت اتهاماتی که به حجر نسبت داده شده بود، بیش از هر چیز مبتنی بر فهم اشتباه از دین، غلبه احساسات نفسانی، شتاب‌زدگی، وابستگی‌های قومی، غفلت و سستی، و روش‌های امویان در تهدید نخبگان بود. عملیات روانی گسترده آل‌امیه برضد اسلام، سبّ علی علیه السلام و دشمنی با یاران امام علی علیه السلام، فضیلت‌سازی برای عثمان و خلافت اموی، در علنی شدن اعتراضات و مواضع جدی حجر بن عدی - که یکی از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان اهل‌بیت علیهم السلام بود - جایگاه ویژه‌ای داشت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۵۲) یک نکته مهم آنکه با توجه به سیاست تقیّه شیعیان، عدم همراهی برخی رجال هوادار اهل‌بیت علیهم السلام همچون هانی بن عروه، نمی‌تواند دلیل همسو نبودن آنان با اهداف قیام حجر باشد.

۳-۷-۵. قیام مسلم بن عقیل: اعزام مسلم از جانب حسین بن علی علیه السلام به کوفه، در راستای تدابیر آن حضرت برای دعوت از همگان، اتمام حجت و لیبیک به دعوت کوفیان بود؛ اگرچه از نام اشخاص، متن نامه‌ها و بررسی سوابق تاریخی کوفه چنین به‌دست می‌آید که همه دعوت‌کنندگان، هوادار اهل‌بیت علیهم السلام نبودند و متناسب با اوضاع نابسامان کوفه و اقبال آنها به امام حسین علیه السلام با این طرح همراه شدند. در زمره دعوت‌کنندگان شیعی امام حسین علیه السلام، قبایل معروفی چون همدان هم حضور داشتند. (دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۴۹۹) با این حال، مسلم پس از ورود ابن زیاد به کوفه، در خانه هانی بن عروه مرادی که از شیعیان و اصحاب اهل‌بیت علیهم السلام بود، پنهان شد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۵۰) به‌نظر می‌رسد علت آنکه مسلم نزد هانی رفت، آن بود که وی رئیس قبیله و از شیوخ کوفه بود. به‌علاوه، اعتبار اجتماعی و ارادت هانی به اهل‌بیت علیهم السلام نقش مهمی در پیشبرد و توفیق مأموریت مسلم در کوفه داشت؛ چراکه در این مدت، مسلم از مردم کوفه برای امام

حسین علیه السلام بیعت گرفت (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۴۸) و سلاح و نیرو جمع کرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۴۱) با استناد به اقوال تاریخی، مسئله هانی اسباب علنی شدن قیام مسلم را فراهم کرد؛ چراکه یکی از مطالبات مسلم در آغاز قیامش، آزاد کردن هانی از قید اسارت بود. (همان، ص ۴۴ به بعد) هانی پس از کشته شدن مسلم، در بازار کوفه کشته شد. (مفید، ۱۹۶۰، ج ۲، ص ۶۳-۶۴)

از دیگر یاران یمنی اهل بیت علیهم السلام، شریک بن اعور حارثی بود که به دستور ابن زیاد و همراه او به کوفه آمده بود. وی از این فرصت به خوبی بهره جست و در همیاری و هم فکری با مسلم کوتاهی نکرد؛ (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۴۲) چنان که به هانی توصیه کرد تا دست از یاری مسلم بر ندارد (همان، ص ۲۳۳-۲۳۵) و او را برای بهره گیری بیشتر از اوضاع کوفه تشویق نمود. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۷-۳۶) شریک پس از این، به فاصله کوتاهی در کوفه از دنیا رفت. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶۴) در قیام مسلم، برخی قبایل و رجال شیعی که مذحج و همدان از آن جمله بودند، حضور داشتند؛ (ابن عبدربه، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۲۱۹-۲۲۰) اما با توجه به سیاست های دفعی ابن زیاد، اختلاف داخلی میان اصحاب مسلم، همچنین نقش شیوخ قبایل در همراهی با حکومت، و ضعف کوفیان، توان مسلم به شدت فرو کاست و یکه و تنها ماند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۴۰-۵۵)

۳-۷-۶. قیام امام حسین علیه السلام و حماسه عاشورا: قیام مسلم نمونه ای کوچک و پیشقروال اخباری بود که در سال ۶۱ هجری در کربلا رخ داد؛ چراکه امام حسین علیه السلام نه به دعوت کوفیان، که به هدف اقامه شریعت و امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد تا اسلام را احیا و امت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را اصلاح نماید. از این رو، سیاست های عمال اموی، نه درباره اهل بیت علیهم السلام و نه شیفتگان آنها مؤثر نیفتاد و حسین بن علی علیه السلام و یارانش تا آخرین لحظه استقامت و پایمردی کردند؛ همان گونه که دشمنان آنها از هیچ گناهی فروگذار نمودند. اگرچه وضع کوفه پس از شهادت مسلم بسیار سخت و طاقت فرسا بود، با این حال برخی از شیعیان خود را به حسین بن علی علیه السلام که در کربلا بود، رساندند. عمار بن ابی سلامه والانی از آن جمله بود. (همدانی، ۱۴۰۸، ص ۱۰۰) در این واقعه، برخی قبایل مشتبه به تشیع، مثل نخع حضور نداشتند؛ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۶) اما گروهی دیگر چون سلمان و جمل و همدان در کنار امام قرار گرفتند و برخی دیگر چون مذحج، جعفی و همدان دارای رویه های

دوگانه‌ای بودند که هر کدام اینها در ترکیب سپاه امویان به‌صورت قبیله‌ای و در ترکیب جبهه امام حسین علیه السلام به‌صورت فردی حضور یافتند. آنچه از فهرست اسامی شهدای این قیام به‌دست می‌آید، بیانگر آن است که حدود چهل نفر از یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام از یمنی‌ها بودند که برای اقامه حق و دفاع از آن حضرت، لحظه‌ای فرو گذار نکردند. این مهم، همچنین جایگاه یمنی‌ها را در حفظ و نشر معارف اهل‌بیت علیهم السلام و استقامت در این راه روشن می‌سازد.<sup>۱</sup>

۱. عبدالله بن بقطر حمیری؛ (شمس‌الدین، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶) بریر بن خضیر مشرقی همدانی؛ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۲۴۳) حبشی بن قیس فهمی همدانی؛ (امین، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۶) حنظلة بن اسعد شبامی همدانی؛ (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴) زیاد بن عریب صائدی همدانی؛ (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۰۵) سوار بن منعم فهمی همدانی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۷۳) عابس بن ابی‌شبییب شاکری همدانی؛ (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۲) عبدالرحمن ارحبی همدانی؛ (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۲۹۱) عمار بن سلامه والانی همدانی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۷۳) عمرو بن کعب ابوثمامه صائدی همدانی؛ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۲۴۶-۲۲۴۷) مالک بن عبدالله جابری همدانی و پسر عمویش، سیف بن حارث؛ (سماوی، بی‌تا، ص ۷۸) زهیر بن سلیم ازدی؛ (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۹۵) قاسم بن حبیب ازدی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۷۳) مسلم بن کثیر ازدی؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۱۳) نعمان بن عمرو ازدی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۶۴) حلاس بن عمرو ازدی؛ (شمس‌الدین، ۱۳۹۵، ص ۷۰) حارث بن امرئ القیس کندی؛ (امین، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۲۴-۴۲۵) زاهر بن عمرو کندی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۷۲) یزید بن زیاد المظاهر کندی؛ (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۱۰۸) بشر بن عبدالله حضرمی کندی؛ (سماوی، بی‌تا، ص ۱۰۳) جندب بن حجیر خولانی؛ (شمس‌الدین، ۱۳۹۵، ص ۶۵) سوید بن عمرو بن ابی‌مطاع خثعمی؛ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۲۵) زهیر بن قین بجلي؛ (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۰۹/ ابن طاووس، بی‌تا، ص ۴۸) عبدالله بن عمیر کلبی؛ (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۲۴۶) وهب بن عبدالله حباب کلبی؛ (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۵، ص ۱۶-۱۷) عبدالله بن بشر خثعمی؛ (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۱۲۰) زهیر بن بشر خثعمی؛ (شمس‌الدین، ۱۳۹۵، ص ۹۹-۱۰۰) امیه بن سعد طائی؛ (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۹) عامر بن حسان بن شریح طائی؛ (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۹۰) عمیر بن عبدالله مذحجی؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۶۰) نافع بن هلال جُمَلی مرادی؛ (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۰۹-۱۱۰/ بحرانی، ۱۴۰۷، ص ۲۶۲) جابر بن حارث سلمانی؛ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۴۶) جُنَادَة بن حارث سلمانی؛ (قاضی نعمان، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۷) مجمع بن عبدالله عائذی؛ (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۴۴۶) حجاج بن مسروق جُعیفی؛ (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۷۳) زیدبن مَعْقِل جُعیفی؛ (امین، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۰۰) عمرو بن مطاع جُعیفی؛ (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۱۰۷) یزیدبن مُهاجر جُعیفی. (خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۰)



۳-۷-۷. قیام توابین و مختار ثقفی: یکی از پیامدهای مهم قیام کربلا، تقویت شهادت‌طلبی و تظلم‌خواهی در جامعه بود. در این میان، هواداران اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup> جلودار بودند. نخستین جنبش، متعلق به توابین بود که سلیمان بن سرد خزاعی، از یاران یمنی شیعه که توفیق همراهی با امام حسین<sup>علیه السلام</sup> و مشارکت در کربلا را نیافت، ترتیب داد. در کنار سلیمان، کسان دیگری از شیعیان هم حضور داشتند که روشنگری کرده، مصایب وارده بر اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup> را برای مردم بازگو می‌کردند. از آن جمله، وهب بن زمعه جعفی بود که مردم را در قتل شهدای کربلا جمع کرد و در طی سخنرانی، به دفاع از نظام امامت و جایگاه آن در حفظ دین تصریح نمود. وی احساس پشیمانی خود را از همراهی نکردن با حسین<sup>علیه السلام</sup> اعلام کرد و از همگان خواست تا انتقام خون‌های ریخته‌شده کربلا را از قاتلان آنها بگیرند. به نوشته ابن اعثم، سخنان وهب مردم را متأثر کرد؛ تا جایی که به جنگ با قاتلان حسین بن علی<sup>علیهم السلام</sup> تصمیم گرفتند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۲۱۴-۲۱۵) در واقع، این حرکت نیز با وجود ارزش مقدس و متعالی آن به دلیل اختلافات داخلی رجال شیعه کوفه، اراده سست و متزلزل کوفیان، و قدرت امویان به نتیجه‌ای نرسید؛ اما فرصتی برای محک شیعیان و زمینه‌ای برای فراهم آمدن آنها پیرامون مختار به‌شمار می‌رفت.

مختار با شعار عمل به کتاب خدا و سنت رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup>، طلب خون امام حسین<sup>علیه السلام</sup> و دفع خلفای اموی قیام کرد. شعار و خطابه‌های او و یارانش در مقابله با مخالفان، به‌ویژه در جنگ با ابن زیاد (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۰-۲۴۳) و برخورد جدی با عاملان واقعه خونین کربلا (مسعودی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۱) دلایل مهمی است که نشان می‌دهد مختار در جهت مکتب اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup> حرکت کرده است. نخستین تمهیدات مختار جذب رجال و قبایل شیعی بود که از آن جمله می‌توان به قبیله مذحج، نخع و همدان اشاره کرد. در این دعوت، همچنین یکی از رجال شیعه یمنی کوفه به نام ابراهیم بن مالک اشتر نخعی به مختار پیوست. این امر، در جلب نظر و همراهی بسیاری از شیعیان کوفه با مختار سهم بسزایی داشت. (دینوری، ۱۳۶۸ش، ص ۳۰۰-۳۰۵) بررسی دقیق و تفصیلی علت و نتایج همراهی ابراهیم با مختار، جای مقال دیگری است؛

به‌ویژه آنکه زندگی وی تا پیش از قیام مختار در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.<sup>۱</sup> باوجود این ابراهیم به‌عنوان یکی از فرماندهان اصلی سپاه مختار نقش مهمی در پیروزی‌های پی‌درپی وی و غلبه مختار بر مخالفان و دستیابی وی به آرمان‌هایش داشت. ابراهیم مصمم بود که از قاتلان واقعه کربلا انتقام بگیرد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۲۱۹-۲۳۱)

۳-۷-۸. سایر جنبش‌های اجتماعی ضد اموی: هواداران اهل بیت علیهم‌السلام هرگاه موقعیتی برای افشاگری ظلم و مقابله با جور به‌دست می‌آمد، از آن بهره می‌گرفتند؛ چنان‌که در زمان عبدالملک بن مروان، عبدالرحمن بن اشعث بن قیس کندی در عراق و ایران به‌پا خاست. عوامل زمینه‌ساز این حرکت، برگرفته از شرایط فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و مذهبی نامناسب حاکم بر عراق در نیمه دوم قرن نخست هجری بود که از مصادیق آن، عرب‌گرایی امویان، عصبیت‌های قبیله‌ای و درگیری‌های عدنانی - قحطانی و فساد اخلاقی بود. برخی از شیعیان یمنی اهل بیت علیهم‌السلام در این جنبش شرکت کردند که از مشاهیر آنها، کمیل بن زیاد نخعی است. وی از چهره‌های سرشناس مذهبی و اجتماعی عراق به‌شمار می‌رفت. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۷۹) وی پس از آنکه به اسارت حجاج بن یوسف درآمد، به دفاع از امام علی علیه‌السلام پرداخت و حاضر نشد از آن حضرت برائت بجوید. از این‌رو، به شهادت رسید. (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۸۲) یاران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام در عراق، همچنین در قیام زید و طالبیان در برابر ظلم و فساد خلافت اموی شرکت کردند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۸۲-۱۸۳) ابن حزم از حضور مردانی از اعقاب عمار بن یاسر در قیام عبدالله بن جعفر گزارش می‌دهد. (ابن حزم، ۱۴۰۳، ص ۴۰۶)

۱. ابونعمان ابراهیم بن مالک (اشتر) نخعی، یکی از رجال کوفه و بزرگان قبیله مذحج بود که در سنین جوانی در پیکار صفین شرکت کرد و در کنار پدرش با شامیان جنگید. (منقری، ۱۳۸۲ ش، ص ۴۴۱ و ۴۹۰ / ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۹۴) ابعادی از انگیزه ابراهیم در رجزهای وی که در میادین نبرد گفته است، معلوم می‌شود؛ چنان‌که می‌گفت: «ای اهل حق و یاوران دین! این ابن زیاد، قاتل حسین بن علی علیه‌السلام و خانواده اوست. خداوند شما را روبه‌روی او و حزب شیطان قرار داده است. او را با دستان خود بکشید و شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام را کسب کنید و قلوب خود را شفا دهید». ابراهیم، سپاه مختار را «شرطة الحق» می‌نامید و با شعار «یا لثارات الحسین» صفوف دشمن را درهم می‌شکست. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۲-۲۴۳)

۳-۸. آثار علمی - فرهنگی هواداران یمنی اهل بیت علیهم السلام در دو قرن نخست هجری

هواداران یمنی اهل بیت علیهم السلام افزون بر مشارکت فعال در جریان‌های سیاسی - اجتماعی در شاخه‌های گوناگون علوم اسلامی و ادبی نیز حضور فعال داشتند که با توجه به تنوع کمی و کیفی رجال، دانش‌ها و آثار برجای مانده از مشاهیر شیعی یمنی، می‌توان گفت این گروه توانستند در پرتو مکتب اهل بیت علیهم السلام مکتبی برگرفته از توانمندی‌های قومی و جغرافیایی خود ارائه دهند که یکی از آنها مکتب نخع است. در این مکتب، عمدتاً از موضوعات مختلف علوم اسلامی و دینی استفاده می‌شد. (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶۸-۶۹) بهره‌گیری از متون درسی - تألیفی و تأسیس مدارس تعلیمی و تشکیل میان، نقش برخی قبایل هوادار اهل بیت علیهم السلام همچون نخع بیشتر بود؛ تا جایی که به‌طور قطع می‌توان گفت غلبه کمی و کیفی نخعی‌ها در این مکتب، سبب شد تا به نام مکتب نخع شهرت یابد. این مکتب، از نظر جغرافیایی در عراق و به مرکزیت کوفه ریشه گرفت و مؤسسان آنها قبایل یمنی، به‌ویژه از سه طایفه مراد، جعفی و نخع بودند. اگرچه برخی از رجال این مکتب، تربیت‌یافته مدرسه عبدالله بن مسعود انصاری بودند، (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۷-۵۸) اما عموم مشاهیر آن از پیروان و هواداران اهل بیت علیهم السلام و از شاگردان ایشان، به‌ویژه امام صادق علیه السلام بودند و مسئولیت‌های مهمی چون وکالت امامان، بر عهده آنها گذاشته می‌شد. عموماً گرایش سیاسی شیعه عراقی داشتند و بعضاً در قیام‌های شیعی و حرکت‌های اجتماعی ضد اموی شرکت می‌کردند. (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹-۶۰) بر این اساس، مکتب نخع تعاملات جدی با تشیع و اهل بیت علیهم السلام داشت و بسیاری از مشاهیر این مکتب، در زمره معاریف رجال اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آمدند. از این گروه می‌توان مالک اشتر نخعی، کمیل بن زیاد، جابر بن یزید جعفی، ابوبصیر مرادی، و خاندان دراج، و تعداد فراوانی را نام برد که در کتب رجال شیعه در زمره اصحاب اهل بیت علیهم السلام معرفی شده‌اند. این گروه از حیث نظری و عملی، به اهل بیت علیهم السلام تقرب داشتند و می‌کوشیدند منطبق با مکتب اهل بیت علیهم السلام عمل کنند. این مهم، به‌ویژه برای هواداران تشیع، میراثی عظیم و گران‌بها به شمار می‌آمد. (خوئی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۴۱۸ و ۲۲۷ و ج ۱۲، ص ۹۹) فهرست برخی از

رجال یمنی شیعه که از اصحاب اهل بیت علیهم‌السلام و مورد وثوق مکاتب روایی امامی هستند، در جدول شماره ۱ آمده است.

مبارزات فرهنگی یاران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام که در دفاع از حریم ولایت و تبیین حقایق و افشاگری امویان بود، بخش دیگری از فعالیت‌های اثربخش این گروه است؛ مثلاً عموم اشعار و خطابه‌های برجای مانده از مالک اشتر - که یکی از شعرای معروف، خطیبان و رجزخوانان معروف عرب است - در حمایت از علی علیه‌السلام، تحریض شیعیان و آگاه کردن آنها به حيله‌ها و مکر دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.<sup>۱</sup> ام‌سنان بنت خثیمه مذججی، یکی دیگر از زنان مبارز و اصحاب یمنی اهل بیت علیهم‌السلام بود که به‌همراه قبیله‌اش در پیکار صفین حضور یافت.<sup>۲</sup> فروة بن مُسیک مرادی (ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۰۵) که امام حسین علیه‌السلام اشعار وی را در کربلا خواند (عسکری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۰۱) و قیس بن هبیره (مکشوح) مرادی از دیگر شعرای یمنی هوادار اهل بیت علیهم‌السلام بوده‌اند. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۷-۲۲۸)

از ابعاد دیگر حضور فعال یاران و قبایل یمنی هوادار اهل بیت علیهم‌السلام، تأثیرگذاری آنها بر اقوام و گروه‌های غیرعرب است که بسیاری از آنها در زمره موالی این قبایل بودند. مهم‌ترین و معروف‌ترین این افراد، خاندان درّاج است (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۷) که در امور اجتماعی و فرهنگی نقش فعالی داشتند و سهم بسزایی در تمدن اسلامی و خدمت به تشیع ایفا کردند. مهم‌ترین مشخصه خاندان درّاج آن بود که در زمره رجال شیعه و یاران اهل بیت علیهم‌السلام قرار داشتند. (همان، ص ۳۵۲) رجال این خانواده ایرانی، منزلت فراوانی نزد اهل بیت علیهم‌السلام یافته و در زمره کارگزاران و خادمان ایشان بودند. عموم رجال درّاج با عنوان راوی و محدث شیعی شناخته شده‌اند و با تألیف

۱. نمونه برجسته این سخنان در اعتراضات وی به خلافت عثمان، مراسم بیعت با علی علیه‌السلام و پیکار جمل و صفین بوده است. (برای نمونه، ر.ک: مفید، جمل، بی‌تا، ص ۱۸۷ / ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۰۱-۱۰۳)

۲. ام‌سنان ضمن تحریض سپاه عراق به جهاد، شامیان را نکوهش می‌کرد. توجه به اشعار این زن، بیانگر عمق شناخت وی از اوضاع جامعه و رهبری الهی علی علیه‌السلام و روشنگری مردم نسبت به شخصیت معاویه است. وی در اشعار خود، معاویه را دشمن خاندان رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌کند و امام علی علیه‌السلام را چون چراغی روشن، بهترین جانشینان، پسرعموی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عامل پیدا کردن راه راست و شناخت دشمنان حقیقت می‌داند. (ضبی، ۱۴۰۴، ص ۲۴)

آثار علمی و ثبت و ضبط سیره اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> خدمات مهمی در جهت نشر معارف الهی و تعلیم اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> ایفا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### نتیجه

- باوجود اهمیت تحولات تاریخ اسلام در سده‌های نخست هجری، گرایش‌های سیاسی و مذهبی حاکم بر سنت نوشتاری منابع نخستین اسلامی سبب می‌شود بازسازی و بازکاوی تحولات تاریخ اسلام بسیار سخت و گاه ناممکن باشد. از این‌رو، اگرچه گاه حجم کمی مطالب قابل قبول است، اما در عموم موارد، اطلاعات ارائه‌شده توان پاسخ‌گویی به ابهامات پرسشگر را ندارد.

- اعزام امام علی<sup>علیه السلام</sup> به یمن، در راستای رسالت الهی ایشان و نشر پیام توحید در میان آحاد جامعه بود. این امر، اگرچه در قالب یک سربه مطرح است، اما منشأ رشد و نمو جریان‌های فکری و فرهنگی بود. در نتیجه، آموزه‌های وحیانی از حیث نظری و عملی در چهارچوب معارف اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> ارائه شد و ماهیت نظام اجتماعی قبیل‌های عربی در این دعوت و گروه، در خدمت اسلام و تشیع قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که تأثیرپذیری از سلوک اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی نمایان شد و نگرش و گروه هواداران یمنی اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، در جهت همراهی با این مکتب قرار گرفت. آنچه اثربخشی این تعامل را برجسته می‌نماید، سیره و سلوک

۱. از مشاهیر موالی قبایل یمنی هوادار اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> می‌توان به این افراد اشاره کرد: ابوعلی جمیل بن درّاج، معاصر با امام ششم، هفتم و هشتم<sup>علیهم السلام</sup> و از اصحاب و وکیل اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ص ۴۴) نوح بن درّاج (م ۱۸۲هـ)، معاصر با دوران امامت امام صادق و کاظم<sup>علیهم السلام</sup> و اصحاب ایشان؛ (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۲۹۲) ایوب بن نوح بن درّاج، از اصحاب و وکیل امام هشتم تا امام یازدهم؛ (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۸۳/ همو، ۱۴۱۷، ص ۶۴/ شریف قرشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۸) ایوب بن ابی‌تمیمه کیسان (م ۱۳۱هـ)، وابسته عمار بن یاسر و از اصحاب امام صادق<sup>علیه السلام</sup>؛ (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۵-۱۲۶) ابو عبدالله حسین بن یزید نوفلی، از اصحاب امام رضا<sup>علیه السلام</sup>؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۷۳) حفص بن سالم، مولای بنی‌جُعی، از اصحاب امام صادق<sup>علیه السلام</sup>؛ (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۱۳۵) ابوالفضل سکین نخعی، از اصحاب امام صادق<sup>علیه السلام</sup>؛ (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶) ابوالحسین علی بن حکم نخعی، از اصحاب امام هشتم و نهم<sup>علیهم السلام</sup>؛ (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷۳) مفضل بن عمرو جُعی، از اصحاب امام صادق<sup>علیه السلام</sup>؛ (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۳/ حلی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۷)

اهل بیت علیهم‌السلام، قابلیت‌های فردی و قومی یمنی‌ها و نظام تربیتی دینی است که به تبع فهم آموزه‌های وحیانی به دست آمد.

- خدمات هواداران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام، در عرصه‌های مختلف نمایان شد و نقش و جایگاه آنان در تعالی و توسعه عناصر فرهنگی و تمدنی اسلامی - شیعی، برجسته و از نظر بافت قومی و اجتماعی مهم‌تر از دیگران بوده است.

- دستاورد سریه علی علیه‌السلام به یمن، حفظ اسلام و نشر آن بود و در این میان،

هواداران یمنی اهل بیت علیهم‌السلام سهم بسزایی داشتند.

جدول شماره ۱: برخی از مشاهیر دینی یمنی هوادار اهل بیت علیهم‌السلام

نام	شهرت در	مکان	اقدامات	اسناد
جمیل بن عبدالله نخعی	حدیث و روایت	کوفه	از اصحاب امام صادق	شیخ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۷۷
حجاج بن ارطاة نخعی	حدیث، فقه	کوفه	قاضی بصره و کوفه در زمان عباسیان	*
حسن بن عبیدالله بن غروه نخعی (م قرن دوم)	روایت	کوفه	از روات خاندانی است	ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۵۴
ابوالحسن حسن بن حکم نخعی	روایت و حدیث	کوفه	تابعی و از رجال شیعه	مزنی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۲۸-۱۳۰ / قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۹۸
حصین بن عبدالرحمن نخعی کوفی	*	کوفه	معاصر امام صادق / از روات خاندانی	الذهبی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۲۴
ابوعمر، حفصبن غیاث نخعی (م ۱۹۴هـ)	روایت - فقه	کوفه	صاحب کتاب‌هایی در روایت و حدیث / قاضی دوران عباسیان	*
خضر بن عمر نخعی کوفی	روایت و حدیث	کوفه	از اصحاب امام باقر و صادق <small>علیهم‌السلام</small> و صاحب کتاب	*
زرارة بن قیس نخعی	روایت وحدیث	کوفه	در وفد نزع حضور داشت	ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴۶، ص ۱۶-۱۲
ابوداود سلیمان بن عمرو نخعی بغدادی	روایت و حدیث	بغداد	از اصحاب امام صادق <small>علیه‌السلام</small>	*
سیف بن عمیره نخعی	روایت و حدیث	کوفه	از اصحاب امام صادق <small>علیه‌السلام</small>	*
شخیر بن یحیی نخعی	فقه	کوفه	تابعی - از اصحاب امام علی <small>علیه‌السلام</small>	خوارزمی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۴۵
ابوالحسن علی بن سیف بن عمیره نخعی	روایت و حدیث	کوفه	از اصحاب امام رضا <small>علیه‌السلام</small> - صاحب کتاب	ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۷۳
علی بن مدرک وهبیلی نخعی (م ۱۲۰هـ)	روایت و حدیث	کوفه	از روات خانوادگی است.	المزنی، ۱۴۰۶، ج ۲۱، ص ۱۲۹

تحلیل و بررسی ابعاد سیره امام علی بن ابیطالب علیه السلام به یمن و پیامدهای آن ۱۳۷

*	از اصحاب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> است.	کوفه	روایت - حدیث	کمیل بن زیاد بن نهیک صُهَبَانِي نَخَعِي (مقتول در ۸۳هـ):
*	از برجسته ترین اصحاب امام علی <small>علیه السلام</small> است.	کوفه	آگاه به علوم اسلامی	مالک بن حارث بن عبدیغوث سلمی نخعی حارثی معروف به مالک اشتر
	از اصحاب امام رضا <small>علیه السلام</small> - دارای کتابی در حدیث	کوفه	روایت و حدیث	محمد بن میسر بن عبدالعزیز نخعی کوفی
	ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۷ و ۴۵/ ابن ابی العاصم، ۱۹۹۱، ج ۳، ص ۳۲۲	کوفه	روایت و حدیث - فقه	ابوبصیر لیث بن بختری مرادی
*	تابعی - در صفین در رکاب امام علی <small>علیه السلام</small> کشته شد	کوفه	روایت و حدیث - پارسایی	اویس قرنی مرادی
	ابن حبان، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶	کوفه	روایت و حدیث	عمر بن مره جملی مرادی (م ۱۶هـ)
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۶/ ابن داوود، ۱۳۹۲، ص ۳۵۸	کوفه	روایت - حدیث	نافع بن هلال جملی مرادی
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۷	کوفه	روایت و حدیث	سلیمان بن نافع بن هلال مرادی
	طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۴	کوفه	روایت و حدیث	جمیله مرادی
	کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۷۹	کوفه	روایت و حدیث	ابوالعزیز مرادی
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۹	--	-	عبدالعزیز بن اموی صیرفی
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۱	-	-	سلمه بن عبدالله مرادی کوفی
	مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۷۲، ص ۳۱۱	-	-	عبدالله بن بکر مرادی
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۷۴	-	-	کنیر بن اسود جملی مرادی
	نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۳۰۷	-	-	فضیل بن عثمان اعور مرادی
	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۸۷	-	-	محمد بن عبدالله جملی مرادی
	همان، ص ۱۷۷	-	-	جمیل بن زیاد جملی مرادی
	مفید، الامالی، بی تا، ص ۳۱۱	-	-	امی بن ربیع صیرفی مرادی

ربیع بن محمد مسلمی	روایت و حدیث	کوفه	از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small> / صاحب کتاب	*
ولید بن هشام مرادی	روایت و حدیث		از اصحاب امام کاظم <small>علیه السلام</small>	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۵
عبدالله بن بکر مرادی	روایت و حدیث		-	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۲۳۱
عمار بن یاسر غنسی	حدیث و روایت		صحابه رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> و از جمله یاران و یاوران امام علی <small>علیه السلام</small> که در پیکار صفین به شهادت رسید.	*
خاندان عمار بن یاسر	حدیث و روایت - علوم ادبی	اندلس	منشأ آثار متعدد عمرانی و فرهنگی در اندلس شدند.	*
سوید بن غفله بن عوسجه جعفی	حدیث و روایت		از اصحاب امام علی <small>علیه السلام</small> و امام حسن <small>علیه السلام</small>	ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۵۴
حصین بن علی جعفی	روایت	کوفه	شاهد و راوی قضاوت‌های امام علی <small>علیه السلام</small>	وکیع، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۰
خینمه بن عبدالرحمن جعفی کوفی	روایت و حدیث	کوفه	از اصحاب امام صادق <small>علیه السلام</small>	خلیفه، ۱۴۱۴، ص ۲۶۵-۲۶۷
بشر بن جعفر جعفی	-	-	-	-
جعفر بن ابراهیم جعفی	-	-	-	-
ابواحمد جعفی کوفی	-	-	-	-
حر جعفی کوفی	-	-	-	-
اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی	-	-	-	-
عبدالله بن محمد جعفی	-	-	-	طوسی، ۱۴۱۵، ص ۱۲۵-۱۴۵
زیاد بن نصر حارثی	روایت سیره امام علی <small>علیه السلام</small>	کوفه	از اصحاب و کارگزاران امام علی <small>علیه السلام</small>	سیوطی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۹۳ / احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۱۳ / حاکم، مستدرک، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۶۰-۵۶۱
علی بن سیف بن عمیره نخعی	راوی حدیث شیعه	کوفه - روات خانوادگی	از اصحاب و یاران امام علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small>	خوئی، ۱۴۱۳، ج ۱۳، ص ۶۱
جابر بن یزید بن حارث جعفی (م ۱۲۴هـ)	رجال حدیث و راوی	کوفه	از اصحاب امام محمد باقر <small>علیه السلام</small> و امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small>	ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۲ / نسائی، ۱۳۴۸، ج ۶، ص ۲۷۷ / شیخ طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۴۰



## منابع و مأخذ

۱. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول ﷺ، قم، دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.
۲. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، بی تا.
۳. امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۷۹ق.
۴. اصفهانی، ابونعیم، ذکر اخبار اصفهان، لیدن، ۱۹۳۴م.
۵. اصفهانی، ابوالفرج، الأغانی، تصحیح صلاح یوسف الخلیل، بیروت، دارالفکر دارالتراث العربی، ۱۳۹۰ق.
۶. ابوعبیده، معمر بن منّی، کتاب ایام العرب قبل الاسلام، جمع و تحقیق و دراسته عادل جاسم بیاتی، بیروت، عالم الکتب، بی تا.
۷. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
۸. ابن ابی شیبہ، المصنّف، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
۹. ابن ابی طاهر، احمد، بلاغات النساء، قم، شریف رضی، بی تا.
۱۰. ابن اثیر، عزالدین علی، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۱۱. ابن اعثم الکوفی، احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
۱۲. ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد دکن، مؤسسة الکتب الثقافه، ۱۳۹۳ق.
۱۳. ابن حبیب، المعجّر، بی جا، مکتبه التجاری، بی تا.
۱۴. ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ط.الثانیه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۱۶. ابن حزم، جمهره انساب العرب، ط.الثانیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.
۱۷. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۸. ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر و دیوان المبتداء والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الکبیر، تحقیق خلیل شجاع، ط.الثانیه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۱۹. ابن زین الدین حسنی، التحریر الطاووسی، تحقیق فاضل جواهری، قم، مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق.
۲۰. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
۲۱. \_\_\_\_\_، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الصادر، بی تا.
۲۲. ابن شُبّه، عمر، تاریخ المدینه المنوره، تحقیق فهیم محمد شلتوت، ط.الثانیه، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

۲۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، لجنة من اساتذة النجف الاشرف، النجف، الحیدریه، ۱۳۷۶ق.
۲۴. ابن طاووس، اللهوف علی قتل الطفوف، سیداحمد فهري، تهران، جهان، بی تا.
۲۵. \_\_\_\_\_، اقبال الاعمال، بی جا، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲۶. ابن عبدالبر، یوسف، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجليل، ۱۴۱۲ق.
۲۷. ابن عبدربه، احمد، العقد الفريد، محمد سعید العریان، القاهرة، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۷۳ق.
۲۸. ابن عساکر، تاریخ مدينة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۲۹. ابن عماد حنبلي، شذرات الذهب، تحقیق الارناؤوط، دمشق، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.
۳۰. ابن فقیه، کتاب البلدان، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۶ق.
۳۱. ابن کلی، هشام بن محمد، کتاب الاصلنام، تحقیق احمد زکی پاشا، چاپ دوم، تهران، نو، ۱۳۶۴ش.
۳۲. ابن مسکویه، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، ط.الثانیه، تهران، سروش، ۱۳۷۹ش.
۳۳. ابن منظور، لسان العرب، قم، الادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۳۴. ابن هشام، السيرة النبویه، حققها مصطفى السقا - ابراهيم الابيارى - عبدالحفيظ شبلي، مصر، مطبعة مصطفى البابي الجلي و اولاده، قم، کتابفروشی مصطفوی، ۱۳۵۵ق.
۳۵. بحرانی، عبدالله، عوالم، قم، مدرسة الامام المهدي، ۱۴۰۷ق.
۳۶. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار - ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، فتوح البلدان، بیروت، دارالمکتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
۳۸. جعیط هشام، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروق مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
۳۹. حاج سیدجوادی، احمد، و بهاءالدین خرمشاهی، و کامران فانی، دائرةالمعارف تشیع، تهران، مؤسسه دائرةالمعارف تشیع، ۱۳۷۱.
۴۰. حاکم نیشابوری، مستدرک حاکم، تصحیح یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۹ق.
۴۱. حجری، محمد، مجموع البلدان یمن وقبائلها، تحقیق اسماعیل الأکوع، ط.الثانیه، بی جا، دارالحکمة الیمانیه، ۱۴۱۶ق.
۴۲. خوارزمی، موفق، المناقب، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۴۳. خوئی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ط.الخامسه، بی جا، للمؤلف، ۱۴۱۳ق.

۴۴. خليفة بن خياط، تاريخ خليفه، تحقيق فواز، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۴۵. دينورى، ابوحنيفه، اخبار الطوال، تحقيق عبدالمنعم عامر، مراجعة جمال الدين شيال، قم، الرضى، ۱۳۶۸ش.
۴۶. الذهبي، محمد، تذكرة الحفاظ، مكتبة الحرم المكي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۳ق.
۴۷. رازي، تاريخ المدينة الصناع، تحقيق حسين بن عبدالله العمرى - عبدالجبار زكار، ط.الثانيه، صنعاء، للمحقق، ۱۴۰۱ق.
۴۸. زبير بن بكار، الاخبار الموفقيات (كتاب السابع)، تحقيق سامى مكى العانى، بغداد، حماء التراث الاسلامي، بي.تا.
۴۹. سيوطي، جلال الدين، درالمنثور، جده، دارالمعرفه، ۱۳۶۵ق.
۵۰. سماوى، طاهر، ابصار العين فى انصار الحسين، قم، مكتبة بصيرتى، بي.تا.
۵۱. شيخ طوسى، الرجال، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۵ق.
۵۲. \_\_\_\_\_، الأمالى، قم، مؤسسة البعثة، دارالثقافه، ۱۴۴۰ق.
۵۳. \_\_\_\_\_، الفهرست، تحقيق جواد قيومى، قم، مؤسسة النشر الثقافه، ۱۴۲۷ق.
۵۴. (شيخ) كلينى، محمد، الكافى، تحقيق على اكبر غفارى، ط.الثالثه، بي.جا، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۸۸ق.
۵۵. (شيخ) مفيد، محمد، الاختصاص، على اكبر غفارى، قم، جامعة المدرسين فى الحوزة العلميه، بي.تا.
۵۶. \_\_\_\_\_، الارشاد، قم، آل البيت، ۱۹۶۰م.
۵۷. \_\_\_\_\_، جمل، قم، الدوارى، بي.تا.
۵۸. شمس الدين، محمد مهدى، انصارالحسين، بيروت، دارالفكر، ۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م.
۵۹. ضبى، عباس بن بكار، اخبار الوافدين من الرجال واخبار الوفدات من النساء على معاويه بن ابي سفيان، تحقيق سكينه الشهابى، بيروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۴ق.
۶۰. طبرسى، احمد (شيخ طبرسى)، الاحتجاج، تحقيق محمداقر خرسان، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
۶۱. طبرى، محمد، تاريخ الأمم والملوك، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، ط.الثانيه، بيروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
۶۲. \_\_\_\_\_، الرسل والملوك، بيروت، مؤسسة اعلمى، بي.تا.
۶۳. عسكرى، مرتضى، معالم المدرستين، بيروت، مؤسسة النعمان، ۱۴۱۰ق.
۶۴. \_\_\_\_\_، عبدالله بن سبأ، بي.جا، التوحيد، ۱۴۱۲ق.
۶۵. عماره يمنى، على، تاريخ يمن، تحقيق الأكوغ العوالى، ط.الثالثه، بي.جا، العلم، ۱۳۹۹ق.
۶۶. (علامه) حلى، خلاصة الأقوال فى معرفة الرجال، ط.الثانيه، نجف، الحيدريه، نجف، ۱۳۸۱ق.

٦٧. قاضی نعمان، شرح الأخبار فی فضائل الائمة الأطهار، تحقیق محمدحسین جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
٦٨. قریشی، باقر، حیات الامام رضاؑ، بی جا، سعید بن جبیر، بی تا.
٦٩. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران، توس، ١٣٦١ ش.
٧٠. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبيه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران، کتیبه، ١٣٨١ ش.
٧١. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، عبدالسلام محمد هارون، ط. الثانيه، الحدیث، مؤسسة العربیه، ١٣٨٢ ش.
٧٢. مقریزی، تقی‌الدین احمد، المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار، تحقیق محمد زینهم - مدیحه الشرفاوی، قاهره، مدبولی، ١٩٩٧ م.
٧٣. المزی، یوسف، تهذیب الكمال، تحقیق بشار عواد، ط. الرابعه، بیروت، مؤسسة الرساله، ١٤٠٦ ق.
٧٤. مجلسی، بحار الانوار، ط. الثانيه، بیروت، مدرسة الرفادة، ١٩٨٣ م.
٧٥. المقری، التلمسانی، نفخ الطیب من غصن الأندلس الطیب، بیروت، دارالفکر، ١٤١٩ ق.
٧٦. منتظرالقائم، اصغر، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیتؑ، قم، بوستان کتاب، ١٣٨٠.
٧٧. نجاشی، احمد، رجال النجاشی، تحقیق موسی بشیری، ط. الخامسه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١٦ ق.
٧٨. نووی، صحیح مسلم، شرح نووی، ط. الثانيه، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤٠٧ ق.
٧٩. وافدی، محمد، المغازی، التابع، ط. الثانيه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤١٨ ق.
٨٠. \_\_\_\_\_، الرده، تحقیق یحیی الجبوری، بیروت، دارالعرب الاسلامی، ١٤١٠ ق.
٨١. \_\_\_\_\_، فتوح الشام، ضبطه و صححه عبداللطیف عبدالرحمن، محمد علی بیضون، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١٧ ق.
٨٢. وکیع، محمد، اخبار القضاة، بیروت، عالم الکتاب، بی تا.
٨٣. همدانی، حسن، صفة جزيرة العرب، تحقیق محمد بن علی الأکوع، بغداد، دارالشؤون، الثقافة العامه، ١٩٨٩ م.
٨٤. \_\_\_\_\_، الاکلیل من اخبار الیمن وانساب حمیر (کتاب العاشر)، ط. الثانيه، بیروت، دارالیمینیه، ١٤٠٨ ق.
٨٥. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٩٨٨ م.
٨٦. یعقوبی، احمد، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.